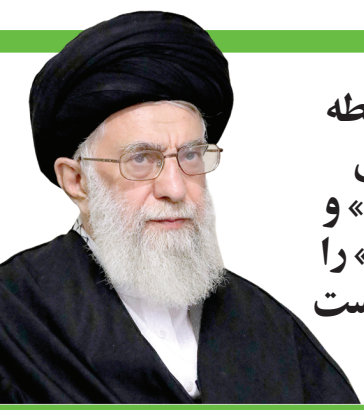




نشریه آمریکایی فارن افرز: ایران در امن‌ترین و قدرتمندترین حالت خود قرار دارد



دشمن دو نقطه اساسی یعنی «وحدت ملی» و «امنیت ملی» را هدف گرفته است



بررسی تاریخ و چگونگی رحلت پیامبر اکرم (ص)

۵ نکته از زندگی بانوی شهیدی که مادر سه شهید بود

صلح امام حسن (علیه السلام) یک شجاعت واقعی بود

مروری بر تاریخچه حجاب در غرب

نتیجه عمل و رفتار خود ماست

آشفته‌گی در لانه براندازان؛ اقتدار و انسجام در جبهه ملت و دولت



هر گونه تحرک گروهک‌های تروریستی و تجزیه طلب غیر قابل تحمل است



حمله بی سوادها به سعید حدادیان



نماینده علمای شافعی یمن: مواضع شجاعانه امام خامنه‌ای، زبازد جهانیان است



اسنادی از دیکتاتوری مدعیان اصلاحات در اخراج اساتید برجسته

غرب گرایان در حسرت قدرت از دست رفته!

صفحه ۱

قتل عام زنان و دختران توسط مدعیان دفاع از زن زندگی آزادی

صفحه ۲

مبارزات سیاسی امام رضا (ع) برای امروز امت اسلام بسیار درس آموز است

صفحه ۱



مبارزات سیاسی امام رضا (علیه السلام) برای امروز امت اسلام، بسیار درس آموز است

محمد ملک زاده



در ایام شهادت حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام، مروری بر سیره سیاسی آن حضرت در دوران امامتشان، می‌تواند ما را در الگو گرفتن از یک سبک زندگی سیاسی - اجتماعی یاری رساند.

امام رضا (علیه السلام) در سال ۱۴۸ هجری در مدینه به دنیا آمدند. سی و پنج ساله بودند که پدر بزرگوارشان در زندان هارون به شهادت رسیدند. امامت ایشان همزمان بود با حاکمیت دو حاکم جور؛ هارون و مأمون عباسی. مأمون برای زیر نظر گرفتن فعالیت‌های سیاسی امام و مشروعیت بخشیدن به حکومت غاصبانه خویش، آن حضرت را از مدینه به مرو آورد و با فریبکاری، ایشان را ولی عهد خویش معرفی کرد تا خود را دوستدار اهل بیت معرفی کند؛ اما او نتوانست این اقدام ریاکارانه را بیش از یکسال تحمل نماید و در نهایت امام رضا (علیه السلام) را در ۵۴ سالگی مسموم کرد و به شهادت رساند. امام برخلاف تصور مأمون، هرگز از مبارزه با حاکمیت جور باز نایستادند. هدایت و رهبری شیعیان در قالب سازمان و کالت، زیر بار گرفتن از پذیرش مسئولیت‌های حکومتی و مبارزه مخفیانه با مأمون عباسی تا لحظه شهادت، از جمله اقدامات سیاسی ایشان در مبارزه با حاکمیت جور به شمار می‌آید. مروری کوتاه بر برخی از رفتارهای سیاسی آن حضرت، برای امروز جامعه اسلامی ما، بسیار درس آموز است:

لزم پذیرش ولایت اهل بیت (علیهم السلام)

حدیث مشهور سلسله الذهب که توسط امام رضا (علیه السلام) هنگام ورود ایشان به مرو در میان انبوه جمعیت مشتاق و دوستدار آن حضرت بیان شد، بر لزوم پذیرش ولایت اهل بیت (علیهم السلام) تأکید دارد. امام رضا (علیه السلام) در آن لحظات حساس فرمودند: «پدرم موسی بن جعفر (علیه السلام) برایم حدیث کرد از پدرش جعفر بن محمد (علیه السلام) و او از پدرش محمد بن علی بن حسین (علیه السلام) و او از پدرش حسین بن علی (علیه السلام) و او از پدرش علی بن ابی طالب (علیه السلام) و او از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و او از ذات پاک خدا که فرمود: لا اله الا الله (قرار به یکتایی خدا) حصار و دژ من است و کسی که داخل دژ من شود، از عذاب من ایمنی یابد.» امام پس از ادای این جملات، لفظی بعد فرمودند: «بشروطها و آنا من شروطها» این ایمنی از عذاب بر پرتو توحید، مشروط به شروطی است و من از شروط امام حسینم. مراد امام از این سخن آن است که «توحید» با «پذیرفتن رهبری امام حق» موجب نجات بندگان خواهد بود و توحید بدون امامت، فایده‌ای نخواهد داشت و این نشان می‌دهد که مسئله ولایت و امامت، از جانب خداست.

بر حذر داشتن امت اسلامی از دوستی، یا همکاری با دشمنان اسلام

در روایات متعدد که از پیشوایان معصوم به ما رسیده است، مشاهده می‌کنیم که ایشان امت مسلمان را از هر گونه علاقه و دوستی با دشمنان اسلام و یا همکاری با حاکمان ظالم برحذر داشته‌اند. همین شیوه در سیره سیاسی امام رضا (علیه السلام) نیز به چشم می‌خورد. آن حضرت در پاسخ سلیمان جعفری که در مورد همکاری با حاکم ظالم وقت (مأمون) از امام رضا (علیه السلام) سؤال کرد، فرمودند: ای سلیمان! وارد شدن به دستگاه آن‌ها و کمک به آن‌ها و کوشش در تأمین نیازهایشان، معادل کفر است و توجه عمده به آن‌ها، از گناهان بزرگی است که آتش دوزخ، سزای آن خواهد بود.

مقاومت و هوشیاری در برابر فریبکاری دشمنان

در عصر امام رضا (علیه السلام)، آن حضرت چهره بارز مقاومت و رهبر سیاسی - دینی امت بود. در این دوره که رویارویی میان بیت امامت و خاندان عباسی به اوج خود رسیده و شخصیت محبوب و قدرتمند امام رضا (علیه السلام) در میان مردم، ابتکار عمل را از مأمون سلب نموده بود، مأمون سعی می‌کرد با ترفندهای گوناگون همچون شهادت ولیعهدی و فرا خواندن امام رضا (علیه السلام) از مدینه به پایتخت و کنترل عملکرد امام از

حمله بی سوادها به سعید حدادیان

دکتر سعید حدادیان است که برخلاف بسیاری از تازه به دوران رسیده‌های عقده‌ای که بی‌سوادی خود را زیر مدبری که معلوم نیست چگونه کسب شده، پنهان می‌کنند، هیچ‌گاه حاضر نشده پیشوند «دکتر»، «عضو هیئت علمی دانشگاه»، «رئیس هیئت مدیره» و «برادر شهید» و... را به نام خود بیفزاید و همیشه ترجیح داده است که او را حاج سعید حدادیان و ذاکر اهل بیت علیهم السلام بنامند. حسین شریعتمداری تحت عنوان «حمله بی سوادها به سعید حدادیان» نوشت:

۱- او دارای مدرک دکتری جامعه‌شناسی است. از سال ۱۳۹۴ تدریس دروس مختلف را در دانشگاه تهران به صورت حق‌التدریس برعهده داشته و با توجه به عملکرد موفق و ارزشی مثبت دانشگاه و دانشجویان از کلاس‌های ایشان و با درخواست مسئولان دانشگاه، به تدریس ادامه داده است.

رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران با استناد به سوابق حضور وی در دانشگاه تهران اعلام کرده است که او از سال ۱۳۹۴ در دانشکده ادبیات و دیگر دانشکده‌های دانشگاه تهران تدریس می‌کند و از گروه معارف هم اجازه تدریس دارد. در ارزشیابی کارنامه تدریس او آمده است که وی:

الف- در اولین همکاری خود در نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ در درس انقلاب اسلامی ایران با تعداد ۴۱ دانشجو معدل ۱۸.۳۱ را کسب کرده است که نمره ارزشیابی ایشان از معدل اساتید گروه مربوطه (۱۸.۰۳) و معدل دانشکده (۱۷.۹۸) و حتی معدل دانشگاه (۱۸.۳۰) در ترم مورد نظر بالاتر بوده است. ب- در کارنامه ارزشیابی ایشان تأکید شده است که او در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ در درس انقلاب اسلامی ایران با تعداد ۲۰ نفر دانشجو معدل ۱۸.۶۷ را کسب کرده است که نمره ارزشیابی ایشان از معدل اساتید گروه مربوطه (۱۷.۶۵) و معدل دانشکده (۱۷.۷۷) و حتی معدل دانشگاه (۱۸.۲۶) بالاتر بوده است. ج- عملکرد تدریس او در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ در درس تفسیر موضوعی قرآن با تعداد ۴۸ نفر دانشجو معدل ۱۸.۰۰ را کسب کرده است که نمره ارزشیابی ایشان از معدل اساتید گروه مربوطه (۱۷.۲۰) و از معدل دانشکده (۱۷.۵۱) در ترم مورد نظر بالاتر بوده است. د- او بیش از ۶ سال است که در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به تدریس «ادبیات پایداری» مشغول بوده است. و...

ایشان تا این‌جای کار، به گواهی اسناد، از نظر علمی و ارائه دروسی که برعهده داشته است، از سایر اساتید دانشکده، برتر و معدل ارزشیابی او از معدل دانشگاه نیز فراتر بوده است. از این روی فقط بی‌سوادها، آن‌هم نه همه بی‌سوادها؛ بلکه «بی‌سوادهای حسود» می‌توانند با او دشمنی ورزیده و کینه‌توزی کنند!

۲- او در ۱۶ سالگی به همراه رزمندگان جهاد سازندگی به جبهه‌های نبرد برای دفاع از اسلام و ایران و نوامیس مردم رفته است و در عملیات چون والفجر ۱، کربلای ۴، بیت‌المقدس ۲، ۳ و ۴ و عملیات مرصاد حضور داشته است. برادر او نیز به فیض بزرگ و مقدس شهادت رسیده است و... با توجه به این کارنامه جهادی، تنها وطن‌فروشانی که آرزوی آنها برای تسلط بیگانگان بر ایران بر باد رفته است، می‌توانند در هجوم ناچاوامردانه به او زیان بچرخاند و قلم بدوانند.

۳- او یکی از مداحان معروف و شناخته شده و انقلابی اهل بیت علیهم السلام است و سال‌هاست که با نوازی گرم و سروده‌های حماسی خود، به ترویج فرهنگ عاشوراوی مشغول بوده و هست. او در مدیحه‌سرایی‌ها و مرثیه‌خوانی‌های خود، جوانان بسیاری را به فرهنگ اصیل اسلام دعوت کرده و به آنان شور انقلابی و درس آزادگی داده است و...

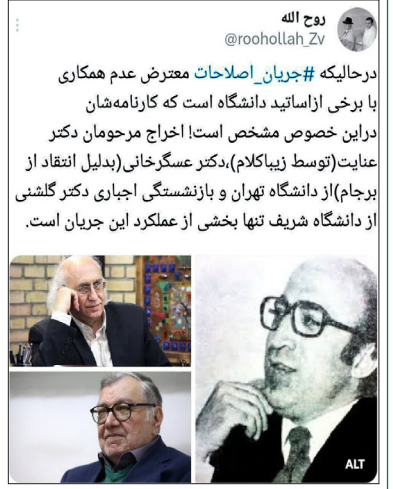
۴- او دکتر سعید حدادیان است که برخلاف بسیاری از تازه به دوران رسیده‌های عقده‌ای که بی‌سوادی خود را زیر مدبری که معلوم نیست چگونه کسب شده، پنهان می‌کنند، هیچ‌گاه حاضر نشده پیشوند «دکتر»، «عضو هیئت علمی دانشگاه»، «رئیس هیئت مدیره» و «برادر شهید» و... را به نام خود بیفزاید و همیشه ترجیح داده است که او را حاج سعید حدادیان و ذاکر اهل بیت علیهم السلام بنامند.

۵- کاش مسئولان محترم دانشگاه‌ها، کارنامه و نمره ارزشیابی تمامی اعضای هیئت علمی را برای اطلاع عموم و مخصوصاً دانشجویان هر رشته تحصیلی اعلام می‌کردند، تا سره از ناسره جدا شود و بی‌صلاحیت‌هایی که با واسطه‌گری این و آن بر کرسی هیئت‌های علمی نشسته‌اند (بخوانید نشاندند) از صاحب صلاحیت‌هایی نظیر سعید حدادیان، قابل تشخیص باشند.

۶- و بالاخره سخنی خطاب به برادر عزیزم حاج سعید حدادیان در میان است و آن، این که: نیم نگاهی به طیف کسانی ببیند که این روزها آتش توپخانه اجارهای خود را به سوی تو گشوده‌اند! چه می‌بینی؟! آیا مخالفت و حمله آن‌ها به تو، سند درستی راهی نیست که برگزیده‌ای؟! راستی! هیچ فکر کرده‌ای که چقدر شرم‌آور بود اگر خدای نخواست! این اجح و جح‌های بی‌سواد و وطن‌فروش، زبان و قلم به حمایت از تو می‌چرخانند؟!...

کوته و گویا

کارنامه اصلاح طلبان در خصوص اخراج اساتید



اینگونه شما را فرب می دهند!



روز اول سال تحصیلی در فرانسه؛ ده ها دانش آموز دختر مسلمان به خانه فرستاده شدند

به گزارش مشرق، یکی از کاربران فضای مجازی با انتشار تصویری در صفحه توییتری خود، درباره ممنوعیت پوشیدن عبا در فرانسه نوشت:

دولت فرانسه پوشیدن عبا در مدارس را ممنوع کرد و با آغاز سال تحصیلی در فرانسه این ممنوعیت مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت. کافی است تیرهای رادیو فردا و ایندپندنت فارسی را ملاحظه کنید! (اینگونه شما را فرب می دهند! با این نوع تیرت زدن، با نشر اخبار به روش دلخواه، حالا اگر در ایران یک کبریت آتش می گرفته، فریاد می زند که انفجاری عظیم در ایران...)

نمای زیبای وحدت



خانوم فردوس نوشت: اونجا که حضرت آقا گفتن آمریکا با دست گذاشتن روی اختلافات قومی و مذهبی، دنبال بحران سازیه ولی شتر در خواب بیند پنبه دانه؛ دقیقاً همین شکلیه.

ایران در امن ترین و قدرتمندترین حالت خود قرار دارد

FOREIGN AFFAIRS

Iran's military. Diplomatically, Beijing, Moscow, and Tehran have become a revisionist axis, effectively ending the Islamic Republic's isolation. Buttressed by these new allies, the Iranian theocracy can, whenever it chooses, press ahead with building a nuclear bomb. And thanks to their support, the Tehran government is feeling more powerful and more secure than it ever has.

نشریهی آمریکایی فارن افز: انزوای جمهوری اسلامی، قاطعانه به پایان رسیده است. دولت تهران در امن ترین و قدرتمندترین حالت خود قرار دارد.

گاف تاریخی شبکه من و تو؛

سفر رهبر ایران به سیستان!

وقتی دیدار پر شور مردم سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی با رهبر انقلاب در حسینیه امام خمینی، اینگونه عوام من و تو را عصبی و مجبور به سوتی می کند! مجری برنامه میگه نظر تون درباره سفر آقای خامنه‌ای به سیستان و بلوچستان چیست! انقدر خنگ و بی اطلاع هستن که نمیدونن مردم اومدن دفتر آقا برای دیدار، کارشناس تجزیه طلب و مزدور عبدالمحمد هم که کلارد افند و میگه اینا مردم سیستان و بلوچستان نیستند! به عده باریش و سبیل، لباس مردم سیستان رو پوشیدن!

این ۳۱ کار دولت، عالی بود

از نظر من این ۳۱ کار دولت برای اربعین عالی بود اولیش: گرفتن ارز بود، به ساده ترین شکل ممکن ارز گرفتیم؛ شیک و مجلسی. دومیش: وضعیت جاده‌ها از رشت تا مهران، انگار کاغذ دیواری کرده بودن جاده رو از پس صاف بود سومیش: در شدن در کوتاه ترین زمان از مرز، باور کردنی نبود سرعت عبورمون... سبحان برکتی

دشمن، دو نقطه اساسی یعنی «وحدت ملی» و «امنیت ملی» را هدف گرفته است



رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار پرشور هزاران نفر از مردم استان‌های «سیستان و بلوچستان» و «خراسان جنوبی»، با قدرانی از هم‌راهی دیرینه و مستمتر مردم مومن و علمای شیعه و اهل تسنن این مناطق، مراقبت و هوشیاری ملت‌ها و مسئولان کشورها را به‌خصوص در دوران تحولات بزرگ جهانی، کاملاً ضروری خواندند و با اشاره به نقشه دشمن برای تحریک نقاط بحران‌ساز در ایران گفتند: «تخریب وحدت ملی و تضعیف امنیت ملی» دو هدف اساسی و جدی آنها است؛ اما ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم و اطمینان داریم دشمنان ایران عزیز، به شرط مراقبت، بیداری و هوشیاری ملت و مسئولان، هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند. ایشان تسلط استعماری انگلیس در قرن ۱۸ بر مناطق مهمی از آسیا از جمله شبه قاره هند و تسلط غربی‌ها بر مناطق وسیعی از غرب آسیا بعد از جنگ جهانی اول را نتیجه خواب و غفلت ملت‌ها و دولت‌های این مناطق خواندند و افزودند: ملت‌های مناطق یاد شده، بعدها رنج‌های فراوانی کشیدند تا بتوانند از سلطه چپاولگرانه استعمارگران رهایی یابند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، جهان امروز را هم در آستانه تحول و از برخی زوایا در حال تحول دانستند و تضعیف قدرت‌های استعماری و برآمدن قدرتهای جدید منطقه‌ای و جهانی را از دو خصیصه این تحولات بزرگ برشمردند. ایشان با استناد به حرف‌های برخی منابع غربی، شاخص‌های اقتدار آمریکا از جمله در زمینه اقتصاد را در حال تنزل خواندند و گفتند: قدرت آمریکا برای تغییر دادن دولت‌ها نیز افول محسوس کرده است.

رهبر انقلاب در همین زمینه گفتند: روزگاری آمریکا با یک تیم مامور با یک چمدان پول به ایران، کودتای ۲۸ مرداد را سازمان داد؛ اما امروز در هیچ کشوری، این امکان قدرت‌نمایی را ندارد و به همین دلیل به جنگ پرهزینه ترکیبی روی آورده؛ اما در این مسیر نیز ناکام مانده است.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی خود جدی است، ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.

هر گونه تحرک گروهک‌های تروریستی و تجزیه طلب، اقدامی ضدامنیت منطقه و غیر قابل تحمل است



رئیس جمهور با تشکر صمیمانه از دولت و ملت عراق، بابت برگزاری باشکوه مراسم اربعین حسینی و میزبانی کریمانه از زائرین ایرانی، این رویداد را نظیر متبرک به نام حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) را جلوه‌ای از اتحاد و مقاومت امت اسلامی دانست و نقش آفرینی رهبری معظم انقلاب اسلامی و مرجعیت معظم عراق در شکل‌گیری رویداد عظیم اربعین را به عنوان زمینه‌ای برای شکل‌گیری تمدن بزرگ اسلامی ستود.

آیت الله دکتر رئیسی در این گفتگو ضمن مرور همکاری‌های امنیتی دو کشور برای ایجاد صلح پایدار، هر گونه تحرک گروهک‌های تروریستی و تجزیه طلب را به‌عنوان اقدامی ضدامنیت منطقه، غیر قابل تحمل دانست و بر تقویت همکاری‌ها در اربعین تأکید کرد. محمد شیخ السودانی همچنین با تأکید بر اینکه دولت عراق، امنیت ایران را امنیت عراق می‌داند گفت: دولت و ملت عراق به مبارزه کامل با عوامل و عناصر تهدید کننده امنیت پایدار منطقه، پایبند و متعهد هستند.

رئیس قوه قضائیه: با هر کس، فرد یا مقامی که دچار فساد شد، در هر جایگاهی که هست برخورد کنید.

مردم حق دارند از دین برخی مفاسد اقتصادی ناراحت شوند، مردم مشکل دارند

قوه قضائیه و دادستان‌ها باید دادستان مردم باشند، باید در مبارزه بدون تبعیض با فساد کوشا باشیم. مردم از ما توقع و انتظار دارند که دادستان آن‌ها باشیم.

رئیس قوه قضائیه: با هر کس، فرد یا مقامی که دچار فساد شد، در هر جایگاهی که هست برخورد کنید.

مردم حق دارند از دین برخی مفاسد اقتصادی ناراحت شوند، مردم مشکل دارند

قوه قضائیه و دادستان‌ها باید دادستان مردم باشند، باید در مبارزه بدون تبعیض با فساد کوشا باشیم. مردم از ما توقع و انتظار دارند که دادستان آن‌ها باشیم.

رئیس قوه قضائیه: با هر کس، فرد یا مقامی که دچار فساد شد، در هر جایگاهی که هست برخورد کنید.

مردم حق دارند از دین برخی مفاسد اقتصادی ناراحت شوند، مردم مشکل دارند

قوه قضائیه و دادستان‌ها باید دادستان مردم باشند، باید در مبارزه بدون تبعیض با فساد کوشا باشیم. مردم از ما توقع و انتظار دارند که دادستان آن‌ها باشیم.

رئیس قوه قضائیه: با هر کس، فرد یا مقامی که دچار فساد شد، در هر جایگاهی که هست برخورد کنید.

مردم حق دارند از دین برخی مفاسد اقتصادی ناراحت شوند، مردم مشکل دارند

قوه قضائیه و دادستان‌ها باید دادستان مردم باشند، باید در مبارزه بدون تبعیض با فساد کوشا باشیم. مردم از ما توقع و انتظار دارند که دادستان آن‌ها باشیم.

رئیس قوه قضائیه: با هر کس، فرد یا مقامی که دچار فساد شد، در هر جایگاهی که هست برخورد کنید.

مردم حق دارند از دین برخی مفاسد اقتصادی ناراحت شوند، مردم مشکل دارند

قوه قضائیه و دادستان‌ها باید دادستان مردم باشند، باید در مبارزه بدون تبعیض با فساد کوشا باشیم. مردم از ما توقع و انتظار دارند که دادستان آن‌ها باشیم.

رئیس قوه قضائیه: با هر کس، فرد یا مقامی که دچار فساد شد، در هر جایگاهی که هست برخورد کنید.

مردم حق دارند از دین برخی مفاسد اقتصادی ناراحت شوند، مردم مشکل دارند

قوه قضائیه و دادستان‌ها باید دادستان مردم باشند، باید در مبارزه بدون تبعیض با فساد کوشا باشیم. مردم از ما توقع و انتظار دارند که دادستان آن‌ها باشیم.

رئیس قوه قضائیه: با هر کس، فرد یا مقامی که دچار فساد شد، در هر جایگاهی که هست برخورد کنید.

مردم حق دارند از دین برخی مفاسد اقتصادی ناراحت شوند، مردم مشکل دارند

قوه قضائیه و دادستان‌ها باید دادستان مردم باشند، باید در مبارزه بدون تبعیض با فساد کوشا باشیم. مردم از ما توقع و انتظار دارند که دادستان آن‌ها باشیم.

رئیس قوه قضائیه: با هر کس، فرد یا مقامی که دچار فساد شد، در هر جایگاهی که هست برخورد کنید.

مردم حق دارند از دین برخی مفاسد اقتصادی ناراحت شوند، مردم مشکل دارند

قوه قضائیه و دادستان‌ها باید دادستان مردم باشند، باید در مبارزه بدون تبعیض با فساد کوشا باشیم. مردم از ما توقع و انتظار دارند که دادستان آن‌ها باشیم.

رئیس قوه قضائیه: با هر کس، فرد یا مقامی که دچار فساد شد، در هر جایگاهی که هست برخورد کنید.

مردم حق دارند از دین برخی مفاسد اقتصادی ناراحت شوند، مردم مشکل دارند

قوه قضائیه و دادستان‌ها باید دادستان مردم باشند، باید در مبارزه بدون تبعیض با فساد کوشا باشیم. مردم از ما توقع و انتظار دارند که دادستان آن‌ها باشیم.

رئیس قوه قضائیه: با هر کس، فرد یا مقامی که دچار فساد شد، در هر جایگاهی که هست برخورد کنید.

مردم حق دارند از دین برخی مفاسد اقتصادی ناراحت شوند، مردم مشکل دارند

قوه قضائیه و دادستان‌ها باید دادستان مردم باشند، باید در مبارزه بدون تبعیض با فساد کوشا باشیم. مردم از ما توقع و انتظار دارند که دادستان آن‌ها باشیم.

رئیس قوه قضائیه: با هر کس، فرد یا مقامی که دچار فساد شد، در هر جایگاهی که هست برخورد کنید.

مردم حق دارند از دین برخی مفاسد اقتصادی ناراحت شوند، مردم مشکل دارند

قوه قضائیه و دادستان‌ها باید دادستان مردم باشند، باید در مبارزه بدون تبعیض با فساد کوشا باشیم. مردم از ما توقع و انتظار دارند که دادستان آن‌ها باشیم.

رئیس قوه قضائیه: با هر کس، فرد یا مقامی که دچار فساد شد، در هر جایگاهی که هست برخورد کنید.

مردم حق دارند از دین برخی مفاسد اقتصادی ناراحت شوند، مردم مشکل دارند

قوه قضائیه و دادستان‌ها باید دادستان مردم باشند، باید در مبارزه بدون تبعیض با فساد کوشا باشیم. مردم از ما توقع و انتظار دارند که دادستان آن‌ها باشیم.

رئیس قوه قضائیه: با هر کس، فرد یا مقامی که دچار فساد شد، در هر جایگاهی که هست برخورد کنید.

مردم حق دارند از دین برخی مفاسد اقتصادی ناراحت شوند، مردم مشکل دارند

قوه قضائیه و دادستان‌ها باید دادستان مردم باشند، باید در مبارزه بدون تبعیض با فساد کوشا باشیم. مردم از ما توقع و انتظار دارند که دادستان آن‌ها باشیم.

رئیس قوه قضائیه: با هر کس، فرد یا مقامی که دچار فساد شد، در هر جایگاهی که هست برخورد کنید.

مردم حق دارند از دین برخی مفاسد اقتصادی ناراحت شوند، مردم مشکل دارند

قوه قضائیه و دادستان‌ها باید دادستان مردم باشند، باید در مبارزه بدون تبعیض با فساد کوشا باشیم. مردم از ما توقع و انتظار دارند که دادستان آن‌ها باشیم.

رئیس قوه قضائیه: با هر کس، فرد یا مقامی که دچار فساد شد، در هر جایگاهی که هست برخورد کنید.

مردم حق دارند از دین برخی مفاسد اقتصادی ناراحت شوند، مردم مشکل دارند

قوه قضائیه و دادستان‌ها باید دادستان مردم باشند، باید در مبارزه بدون تبعیض با فساد کوشا باشیم. مردم از ما توقع و انتظار دارند که دادستان آن‌ها باشیم.

رئیس قوه قضائیه: با هر کس، فرد یا مقامی که دچار فساد شد، در هر جایگاهی که هست برخورد کنید.

مردم حق دارند از دین برخی مفاسد اقتصادی ناراحت شوند، مردم مشکل دارند

قوه قضائیه و دادستان‌ها باید دادستان مردم باشند، باید در مبارزه بدون تبعیض با فساد کوشا باشیم. مردم از ما توقع و انتظار دارند که دادستان آن‌ها باشیم.

رئیس قوه قضائیه: با هر کس، فرد یا مقامی که دچار فساد شد، در هر جایگاهی که هست برخورد کنید.

مردم حق دارند از دین برخی مفاسد اقتصادی ناراحت شوند، مردم مشکل دارند

قوه قضائیه و دادستان‌ها باید دادستان مردم باشند، باید در مبارزه بدون تبعیض با فساد کوشا باشیم. مردم از ما توقع و انتظار دارند که دادستان آن‌ها باشیم.

رئیس قوه قضائیه: با هر ک

سیاست خارجی

نتایج مقاومت ایران در برابر دشمنان

یک فعال رسانه‌ای مصری که گرایش ناسیونالیستی عربی و مشی ضدایرانی دارد، در یک مقاله مفصل به مقایسه مصر و ایران پرداخته و می‌نویسد:

۱. ما و ایرانی‌ها بیش از سی‌سال پیش در فضای بین‌المللی در یک سطح بودیم .

ایرانی‌ها راه مبارزه و مقاومت در برابر ابرقدرت‌ها، بخصوص آمریکا را انتخاب کردند و ما مسیر سازش را برگزیدیم .

۲. ما هر سال مزد خیانتمان به اعراب را از طرف آمریکا در قالب چهار میلیارد کمک بلاعوض می‌گرفتیم و ایرانی‌ها از همان اول فشار سیاسی، اقتصادی و تحریم و جنگ داخلی و جنگ نابرابر را تجربه کردند

۳. امروز ایران از یک قدرت منطقه‌ای به یک قدرت جهانی تبدیل شده که هیچ مشکلی در سطح منطقه و جهان بدون جلب نظر ایران، قابل حل نیست.

۴. کاندیداهای ریاست‌جمهوری آمریکا ۶۴ بار هر کدام عبارت ایران را در مناظره تلویزیونی خود بکار می‌برند. گویی حریفی جز ایران در سطح جهان ندارند ...

۵. و دیگر اینکه ایرانی‌ها در تمام علوم راهبردی، از هسته‌های تا فضایی و تا نانو و شبیه‌سازی و پزشکی و... جزو ده کشور برتر جهان می‌باشند و در صنایع موشکی، چهارمین قدرت دنیا و از نظر دقت و سرعت موشک‌هایش، شاید اولین کشور دنیاست در منطقه جزیره امن و ثبات است. ۶. وقتی در مملکتی رهبر مقتدری نباشد، وضعیت می‌شود مصر که اسرائیل برایش شاخ می‌شود.

۷. وقتی در جامعه‌ای وحدت نباشد، می‌شود افغانستان.

۸. وقتی در کشوری فرمانده استواری نداشته باشد، می‌شود پاکستان که یک شبه با کودتا، رئیس‌جمهور ساقط می‌شود.

۹. وقتی در کشوری به ظاهر مسلمان، رهبر و رئیس آن مملکت، خود فروخته به شرق یا غرب باشد، می‌شود ترکیه.

۱۰. اما وقتی در کشوری رهبر اهل باج دادن به بیگانگان نباشد، جنگ ۸ ساله و ۳۰ سال تحریم سیاسی و اقتصادی را مدیریت می‌کند تا جایی برای نفس کشیدن دشمن باقی نماند.

و امروز کسی جرئت ندارد به خاکشان چپ نگاه کند؛ حتی به مگس‌هایشان (پهپادها)

کمالی که رنسانس برای غرب به ارمان آورد، برهنگی بود

رنسانس با هدف "حذف خدا و قوانین اخلاقی" از زندگی بشر و استثمار تهی‌دستان و ساده‌دلان توسط ثروتمندان سودجو، تعبیر دیگری از کمال انسان ارائه داد که در آن فقط جسم و او مقدس شمرده و محور و معیار، فضیلت دنیوی معرفی شود. بر همین اساس لذت محوری، مخصوصا لذات شهوانی جنسی، اساس سبک زندگی جدیدی را پایه‌ریزی کرد. در این تفکر، ارزش زن به اندازه لذت بخشی او بنا نهاده شد. در این گزارش، به نظر مورخان و نویسندگان غربی درباره جایگاه و ارزش زن در جامعه غربی می‌پردازیم.

پوشش زنان در یونان باستان

در دایره المعارف لاروس آمده است: در یونان باستان زنان هنگام حضور در اجتماع، صورت و اندامشان را تا روی پاها میپوشاندند. این پوشش که شفاف و بسیار زیبا بود، در جزایر کورس، ایرجوس و دیگر جزایر ساخته می‌شد. زنان شهر ثیب حتی صورتشان را نیز با پارچه می‌پوشاندند. این پارچه دارای دو منفذ بود که جلوی چشمان قرار می‌گرفت تا بتوانند ببینند. در استاتره نیز زنان سر را می‌پوشاندند؛ ولی صورتهایشان باز بوده است.

ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن می‌نویسد: در دوران باستان، زنان فقط در صورتی در جشن‌های مذهبی و تماشاخانه‌ها حضور پیدا می‌کردند که کاملا در حجاب باشند. در قرون اول تا ۱۶ میلادی زنان اروپایی از لباس‌های پوشیده استفاده می‌کردند.

ویل دورانت در این رابطه ادامه میدهد: بلندی لباس‌های بانوان اصیل اروپایی، تا روی پاها می‌رسید. زنان اشراف به ندرت در انتظار عمومی ظاهر می‌شدند. در اروپا مردان و زنان از پیراهن‌های بلند با آستین‌های بلند استفاده می‌کردند که کاملا بدن را می‌پوشاند. لباس‌های مردان کوتاه؛ ولی لباس‌های زنان خصوصا بانوان اصیل اروپایی چندلایه و بلند تا روی زمین بود. مردان، کلاه و زنان، روسری می‌پوشیدند که مو، سر و شانه را می‌پوشاند. آستین‌های لباس زنان تا آرنج و یا مچ دست بود و دامن‌هایشان روی زمین کشیده می‌شد.

پوشیدن جوراب‌های ابریشمی به وسیله ملکه الیزابت مرسوم شد

بیشتر زنان طبقه تحصیل کرده، زود ازدواج می‌کردند. انگلیسی‌ها دختران را با وقار و با حیا و بزرگ و بیشتر زنان طبقه تحصیل کرده، زود ازدواج می‌کردند. در زمان شکسپیر، زن حق نداشت که روی صحنه بیاید، نقش زنان را پسران بازی می‌کردند. (تاریخ تمدن اثر ویل دورانت)

زنان، اغلب دامن‌های بلند دنباله‌دار، بالایپوش‌های گشاد (ردینگوت) و روسری‌های سیاه ابریشمی به همراه زیردامنی و جوراب بلند می‌پوشیدند. (تاریخ لباس ترجمه شیرین بزرگمهر)

زنان، مفت قبل از ازدواج و وفاداری بعد از ازدواج را وسیله‌ای برای نجابت خود از بی‌حرمی می‌دانستند.

مروری بر تاریخچه حجاب در غرب



کارخانه‌داران که به فکر سود بیشتر خود

بودند و اخلاقیات برایشان بی‌اهمیت بود،

زنان را که کارگران ارزان تری بودند، بر مردان

سرکش سنگین‌قیمت، ترجیح می‌دادند

و آنان را هنگام استفاده از دستگاه‌های

خطرناک به استفاده از لباس‌های تنگ و

کوتاه وادار می‌کردند.

زنان هنگام سوار کاری، زیر پیراهنشان شلواری فغدار می‌پوشیدند. (تاریخ تمدن ویل دورانت)

پوشش زنان در اسپانیا چه گونه بود؟

در اسپانیا عفاف و عصمت زنان، نسه تنها به وسیله مذهب و قانون؛ بلکه به وسیله شرافت حفظ می‌شد. زنان عقیفش، دور از مردها غذا می‌خوردند و هنگام حضور در اجتماع، در کالسکه‌های در بسته می‌نشستند. بعد از ورود اسلام به اسپانیا (اندلس سابق) ردا با منشا ایرانی به پوشاک مردان افزوده شد و زنان، چادر بزرگی می‌پوشیدند.

برخی زنان همه چهره خود، به استثنای چشم‌ها را از مردان می‌پوشاندند و پاهای خود را کاملا محجوبانه از انتظار پنهان می‌داشتند. زنان در تماشاخانه‌ها (تئاتر قسمت مخصوص می‌نشستند و صورت خود را با تور می‌پوشاندند.

هدف رنسانس، حذف چه بود؟

ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن می‌نویسد: رنسانس نه یک دوره زندگی، بلکه یک تفکر و شیوه زندگی بود که بر اثر فشارهای حاکمیت غیرعقلاتی کلیسای سلال‌های هزار و ۳۰۰ الی هزار و ۵۰۰ میلادی با شعار بازگشت به میراث فرهنگی روم و یونان باستان در اروپا شکل گرفت.

رنسانس با ایدئولوژی دنیامحوری، اومانیسم و با هدف حذف خدا و قوانین اخلاقی از زندگی بشر و استثمار تهی‌دستان و ساده‌دلان توسط ثروتمندان سودجو، تعبیر دیگری از کمال انسان ارائه داد که

سکوت کنند، زبان به انتقاد گشودند.

سوزان اف. هاردینگ اعتقاد دارد: انقلاب جنسی، زن‌ها را از قید عفت خلاص کرد؛ ولی مفهوم قابل احترام بودن، نادیده گرفته شد. (کتاب فمینیسم داستان زندگی من نیست، نوشته الیزابت فاکس گنوز) سبلاوس، رئیس سابق سازمان ملی نمایندگان زنان در نیویورک می‌گوید: در جامعه ما، زنان مجبور می‌شوند هر روز برای کسب تأیید مردان، در استانداردهای مضحک زیبایی اسیر شوند. ما یک سطل زباله آزادی درست کردیم و هر چیزی را که فکر می‌کردیم محدودکننده زنان است، در آن انداختیم. ای زنان! از فکرتان استفاده کنید، نه از اندامتان!

وندی شلیت، نویسنده آمریکایی می‌گوید: بدبختی است که وقتی اجازه دادیم هر کاری آزاد باشند، آزار جنسی، مزاحمت‌ها و تجاوز به عنف هم افزایش پیدا می‌کند. جامعه‌ای که علیه شرم و حیا اعلام جنگ کرده، دشمن زنان است. او ادامه می‌دهد: من دامن‌های بلند و لباس‌های دکمه‌دار و پوشیده بر تن می‌کنم تا این پیام را به دیگران بدهم که شخصیت من فقط در ظاهر خلاصه نمی‌شود. وقتی وارد دبیرستان شدم، مقید ماندن به مدل پوشش خود و ارزش‌های خود، واقعا برام مشکل‌تر شد. دوستانم را می‌دیدم که با پوشیدن لباس‌های بدن‌نما خیره کننده، توجه زیادی را به خود جلب می‌کردند. من ورزشکار و باهوش بودم، خواننده و بازیگر بودم و ویراستار مجله مدرسه؛ اما این‌ها به پای لباس‌های کوتاه دوستانم نمی‌رسید. اما دیدم چگونه دوستانم که همه چیز خود را در مقابل پسرانی که فقط شیفته جسم آن‌ها شده بودند باختند و بعد این، پسران آن‌ها را به حال خود رها کردند و آسبب روحی سختی به آنها وارد کردند. هرچه می‌گذرد از اینکه معیارهای خود را بالا نگه داشتنام، خوشحالت‌تر می‌شوم. وندی شلیت در ادامه می‌گوید: این روزها از اینکه کسی به ما بگوید: چه خوش‌اندام هستی! خوشمان می‌آید و تشکر می‌کنیم. اما آیا به راستی آزادی که ما زنان به دنبال هستیم، این است؟ ما به ارزیابی سطحی دیگران خو گرفته‌ایم و شاید جای تعجب نباشد که اعتماد به نفس پایین، عمومی‌ترین مشکل یک زن پُست‌مدرن است. ما آن‌قدر عادت کرده‌ایم فقط به جنبه ظاهری خود توجه کنیم که تقریبا از خود حقیقیمان، غافل شده‌ایم.

پوشیدن لباس رسمی‌تر، علامت این است که آنچه در باطن ما است، ارزش بیشتری دارد. آنچه در باطن ما وجود دارد، به طور کلی روح نامیده می‌شود و به ما زیادآوری می‌کند که چیزی فراتر از آن صرف وجود دارد. (دختران به عفاف روی می‌آورند) بی‌حجابی و سبک زندگی بی‌فیدویند و نتایج زیان‌بار آن در غرب، امروز باعث شکل‌گیری نسل جدیدی از دخترانی شده که برخلاف مادرهایشان، سبک زندگی عقیفانه را در پیش گرفته‌اند.

دختران به عفاف روی می‌آورند، عنوان کتابی است که خاتم وندی شلیت در توصیف دختران متفاوت آمریکایی نوشته است.

تیمین زده می‌شود که تعداد لیبیبی‌هایی که در این دوره در جنگ یا گرسنگی و بیماری جان خود را از دست داده‌اند، حداقل ۸۰ هزار نفر است، یعنی یک‌سوم جمعیت سیرنالیکا!

رتیب بیشترین حجم فروش در بازار فناوری نانو در ایران را به خود اختصاص می‌دهند. همچنین حوزه‌های «ساخت و ساز»، «فت، گاز و پتروشیمی» و «خودرو»، سه حوزه‌ای است که بیشترین شرکت‌های مرتبط با نانوفناوری را به خود اختصاص می‌دهد.

بر اساس آخرین آمارها تا پایان فروردین‌ماه سال ۱۴۰۲، تعداد شرکت در حوزه فناوری نانو فعالیت داشته‌اند که این شرکت‌ها ۱۱۹۱ محصول و ۲۴۱ تجهیز نانو را تولید و به بازار عرضه کرده‌اند. در میان حوزه‌های موضوعی که شرکت‌ها در تولید محصولات و تجهیزات فعالیت داشته‌اند، "حوزه عمران و ساختمان" سهم بالاتری را به خود اختصاص داده است، به طوری که یک‌پنجم تولیدات این حوزه در عرصه نانوفناوری به این حوزه اختصاص یافته است.

گفتنی است حجم فروش حدود ۲۰ درصد از شرکت‌های فعال در حوزه نانوفناوری، بیش از ۹۰ درصد بازار نانوفناوری ایران را تشکیل می‌دهند.

راهبردی در خصوص آن، در سال ۱۳۸۰ شروع شد. در نهایت، کشور ایران در این دو دهه توانست جایگاه چهارم در علم نانو را برای خود تثبیت کند. در طول رشد و پیشرفت نانوفناوری در ایران، ضرورت تبدیل علم به ثروت نیز در بین مردم و متخصصان این حوزه حس می‌شد.

نگاه به وضعیت نانوفناوری ایران نشان می‌دهد که در سال ۲۰۲۱، تعداد ۲۰۷ اختراع مرتبط با نانو که در دفاتر ثبت پتنت آمریکا و اروپا ثبت شده است، ایرانی هستند. این عدد نشان می‌دهد به ازای هر ۱۰۰۰ مقاله رسمی نانویی، ۴۶ پتنت مرتبط با نانو وجود دارد.

نگاهی به بازار نانوفناوری ایران

بازار نانوفناوری طبق تعریف استاندارد، شامل بازار کالاها، تجهیزات و خدمات نانویی است. حجم این بازار در ایران نیز مانند تعداد مقالات در این دو دهه، با رشد صعودی مواجه بوده است. بر اساس آمار موجود، میزان کل فروش داخلی و صادرات بازار نانو در ایران، از ۱۱ هزار میلیارد تومان عبور کرده است.

نانوپوشش‌ها، نانوکاتالیست‌ها و نانوکامپوزیت‌ها، به

پیشرفت‌های بزرگ در کوچک‌مقیاس‌ها

در فناوری نانو کجا ایستاده‌ایم؟

رشد ایران و تثبیت جایگاه چهارم علمی جهان در زمینه علم نانو، از افتخارات ایران در ۲ دهه اخیر است. نگاه به بازار نانوفناوری در ایران، نشان می‌دهد بیشترین محصولات نانویی در حوزه عمران و ساختمان کاربرد دارد.

گروه علم و پیشرفت خبرگزاری فارس؛ حدود ۶۵ سال از روزی که فایمنم اعلام کرد: «در آن پایین، فضای زیادی وجود دارد.» می‌گذرد. از آن زمان تا کنون، انسان با دنیایی وسیع در اندازه کوچک نانو آشنا شد که با دنیای اطرافش متفاوت است. علم نانو به فناوری نانو تبدیل شد و در این مدت توانست تقریبا همه صنایع را به وسیله سبد متنوع محصولات خود، با انقلاب مواجه کند. تثبیت رتبه علمی ایران در جایگاه چهارم نانوفناوری علم و فناوری نانو در ایران، طول عمری نزدیک به دو دهه دارد و توجه اساسی به این حوزه و مطالعات



ادامه از صفحه ۱

آشفنگی در لانه براندازان...

کشورهای آمریکای جنوبی و بستن قراردادهای مهم، تأثیر بسزایی در بالابردن امید در ملت ایران داشته است. ایران در یک سال گذشته، توانست با قدرت دیپلماسی، مبالغ زیادی از پول‌های خود را در کره‌جنوبی و عراق، آزاد و به اقتصاد کشور تزریق کند، بسیاری از پروژه‌های نیمه‌کاره را به اتمام برساند، در سایه تصمیمات مهم اقتصادی، ارزش مسکن، ماشین و لوازم خانگی را بیش از ۳۰ درصد کاهش دهد و قیمت مصالح ساختمانی را تثبیت؛ بلکه کاهش دهد و قیمت مواد غذایی را نیز ثابت نگه دارد. سفر بیش از ۴ میلیون ایرانی به عراق در اربعین با برنامه‌ریزی بسیار خوب و عالی و راهیمیایی میلیون‌ها جاماند از اربعین در ایران، حاکی از مقبولیت و اعتبار نظام اسلامی در میان آحاد مردم است.

ب. وضعیت جبهه مخالفان نظام

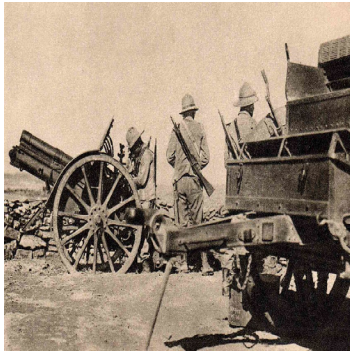
۱. سازمان منافقین که مقر آن‌ها در کشور آلبانی بود، و خبیر و قادری وجود دارد که می‌تواند تغییرات شگرفی ایجاد کند. این‌گونه است که در آزمون‌هاست که شخص، یقین به پروردگاری خدا می‌آورد و سخن از معجزه می‌گوید. در حقیقت یکی از علل و فلسفه‌های آزمون‌ها، پیدایش یقین است که در آیه ۳۱ سوره مدثر بیان شده است. به هر حال هر آزمون انسان‌ها، موجب می‌شود تا اموری چند تحقق یابد که از جمله آنها می‌توان به شناخت انسان‌ها و واقعیت باطنی و نهایی آن اشاره کرد. در اینجااست که ریزش‌ها و رویش‌های دائمی پدید می‌آید و هر دمی با هر آزمونی، مرزبندی‌های جدیدی ایجاد می‌شود و کسانی به جرگه انقلابیون و اهل ولایت و ایمان درمی‌آیند و گروهی به جرگه ضدانقلاب می‌پیوندند و منافقان و قاعدین جدید با مصداق جدید پدید می‌آیند.

بین الملل

غرب از نمای نزدیک

جنایات غرب در قاره آفریقا (۳۷) کشتار غیر نظامیان در لیبی

دکتر محمد تهرانی



همان گونه که گذشت، ایتالیا در جریان تجاوز به لیبی، جنایات جنگی بزرگی مرتکب شد. استفاده از سلاح‌های شیمیایی و سایر اقدامات غیرقانونی مانند آزار و شکنجه اسیران جنگی و اعدام دسته‌جمعی زندمندان تسلیم شده و کشتار جمعی غیرنظامیان، از جمله این جنایات جنگی بود.

با آغاز اولین روزهای استعمار ایتالیا، عمر مختار، شیخ سنوسی، تلاش‌های مقاومت لیبی را سازماندهی و برای نزدیک به بیست سال رهبری کرد. عمر مختار از رهبران برجسته مقاومت لیبی در سیرناتیکا علیه استعمار ایتالیا بود. ایتالیا با سیاسی‌کاری و بعد از یک آتش‌بس ساختگی و مذبحخانه جهت تقویت نیروهای خود، لیبی را در سال ۱۹۳۲ به سطح یک جنگ تمام‌عیار رساند.

حصارهایی از سیم‌خاردار از دریای مدیترانه تا منطقه واحه جفیوب کشیده شد تا کم‌کما و شریان حیاتی برای نیروهای مقاومت را قطع کند.

اندکی پس از آن، دولت استعماری ایتالیا برای سرکوب نیروهای مقاومت، اقدام به تبعید گسترده مردم جبل اخدر در کشور لیبی کرد. مهاجرت دادن اجباری بیش از ۱۰۰ هزار نفر به اردوگاه‌های کار اجباری به مناطق سولوق و الاقیلا جایی که باعث شد هزاران نفر در شرایط فلاکت‌بار جان باختند.

تخمین زده می‌شود که تعداد لیبیبی‌هایی

که در این دوره در جنگ یا گرسنگی و بیماری جان خود را از دست داده‌اند، حداقل ۸۰ هزار نفر است، یعنی یک‌سوم جمعیت سیرنالیکا!

دستاوردها

ناوشکن جماران

اکبر مظفری

پس از پایان جنگ تحمیلی و هم‌زمان با استعمار تحریم واردات تسلیحات نظامی، نیروی دریایی ارتش، توانمندی‌های رزمی و دفاعی خود را افزایش داد و با صدور فرمان «جهاد خودفکافی» به بازسازی ناوهای جنگی پرداخت و در اولین اقدام به بازسازی ناوشکن سسبلان و سپس به ساخت ناو موشک‌انداز مبادرت ورزید. در سال ۱۳۷۶ با فرمان فرماندهی معظم کل قوا، مبنی بر ساخت ناوشکنی با توانایی پرتاب موشک و حمل بالگرد، سازمان مستقلی با نام «فرمانده پروژه موج» در نیروی دریایی شکل گرفت و در وهله اول، یک تیم ۱۲ نفره با ۱۲ هزار نفر ساعت کار مطالعاتی و تحقیقاتی، تمام ناوشکن‌های هم کلاس را مورد مطالعه قرار داده و کار طراحی ناوشکن را به پایان برد. سپس با دعوت از دانشگاه‌ها و کارخانه‌های توانمند، ساخت اولین ناوشکن پروژه موج با نام جماران در کارخانجات منطقه یکم دریایی امامت نیروی دریایی بندرعباس آغاز شد. جماران با همکاری ۱۲۰ دانشگاه ایرانی و تلاش علمی، تحقیقاتی و تخصصی نیروی دریایی و بکارگیری بیش از صد تخصص، در مدت ۱۲ سال از یک میلیون ۴۰۰ هزار نوع قطعه، سامانه و مجموعه پیچیده ساخته شد و در تاریخ ۱۳۸۸/۱۱/۳۰ با حضور فرماندهی معظم کل قوا در بندرعباس، به ناوگان نیروی دریایی ارتش پیوست. «جماران» به عنوان عظیم‌ترین دستاورد دفاعی کشور به سامانه‌های پیشرفته، موشک‌ها، اژدرها، تپهپای پدافندی، ابزار ناوبری الکترونیکی نوین- و امکانات جنگ الکترونیک مجهز بوده و با ۹۴ متر طول، ۱۴۲۰ تن وزن، ۳۰ گره دریایی سرعت و قدرت حمل ۱۴۰ نفر، یک بالگرد و امکان سوخت‌گیری آن، از پیشرفته‌ترین ناوهای جنگی است که با هزینه یک‌پنجم قیمت خرید یک ناوشکن، ساخته شده است. پس از جماران، دومین ناوشکن کلاس موج با نام «گامداند» که به سامانه‌های پیشرفته‌تری مجهز بود، طی مدت ۵ سال ساخته شد و در سال ۱۳۹۳ به ناوگان شمال نیروی دریایی در بندر انزلی پیوست. هم اکنون سومین ناوشکن کلاس موج با نام "سهند" در حال ساخت بوده و راه برای ساخت ناوشکن‌های سنگین با تناژ بالاتر هموار شده است. با طراحی و بومی‌سازی سامانه جماران، ایران به عنوان اولین کشور خاورمیانه به باشگاه سازندگان ناوشکن پیوست و در جمع ۱۳ کشور جهان در طراحی، ساخت و تجهیز رزم‌ناوها و ناوشکن‌های پیچیده و مجهز قرار گرفت.

حکمت و حکایات

به قدر همت تو...

ملاصدرا شیرازی (ره)، خداوند بی‌نیاهت است؛ اما به‌قدر نیازت فرو می‌فرستد، به‌قدر آرزویت گسترده می‌شود و به‌قدر ایمانت کارگشاست.

از زیارت امام‌زادگان غافل نباشیم

آیت‌الله‌العملی بهجت (ره)، یکی از کرامت‌های شیعه، قیور و مزارهای امام‌زادگان است؛ لذا نباید از زیارت آن‌ها غافل باشیم و خود را اختیاراً محروم سازیم. توسلات، خیراتی نافع است. به این امامزاده‌ها زیاد سر بزیند؛ این بزرگواران همچون میوه‌ها که هر کدام یک ویتامین خاصی دارند، هر کدامشان خواص و آثاری دارند.

پریش و یاسخ
در محضر آیت‌الله‌العملی بهجت، ج ۲، ص ۵۵

استفتائات مقام معظم رهبری

تغییر نیت در نماز

سؤال: آیا تغییر نیت در نماز، از نماز ادا به قضا یا از نماز ایجاب مغرب به قضای صبح جایز است؟
جواب: به طور کلی تغییر نیت در نماز در موارد زیر واجب است:
۱. از نماز عصر به نماز ظهر، قبل از وقت مخصوص نماز عصر، در صورتی که بین نماز عصر متوجه شود نماز ظهر را نخوانده است.
۲. از نماز عشا به نماز مغرب، قبل از وقت مخصوص نماز عشا و قبل از رکوع رکعت چهارم اگر بین نماز عشا متوجه شود نماز مغرب را نخوانده است.
۳. اگر نماز قضای ظهر و عصر یک روز یا عصر و عشاء یک روز بر عهده باشد و هنگام نماز مغرب یا عشاء متوجه شود، نماز ظهر یا مغرب را نخوانده است و عدول در موارد زیر جایز است:
۱. از نماز ادا به نماز قضای واجب، البته احتیاط واجب آن است که اگر فقط یک نماز قضا دارد، به نماز قضا عدول نکند؛ به‌خصوص اگر نماز قضا مربوط به همان روز باشد.
۲. از نماز واجب به مستحب برای درک ثواب نماز جماعت.
۳. از نماز واجب به نافله در ظهر ظهر جمعه برای کسی که قرائت سوره جمعه را فراموش کرده و به جای آن سوره دیگری را خوانده و به نفع رسیده یا از آن گذشت است.

گزارش شدن هزینه چند در سال استطاعت

اگر اجرت ماشین یا هواپیما و یا سایر وسایل نقلیه در سال استطاعت، بیشتر از حد متعارف باشد، در صورتی که توانایی پرداخت مسازاد را بدون حرج و مشقت داشته باشد، واجب است آن را بپردازد تا به حد حرج و صبر برسانی و افزایش قیمت‌ها ضرری به استطاعت نمی‌زند؛ ولی اگر توانایی پرداخت مازاد را ندارد یا پرداخت آن اجحاف بر او باشد، واجب نیست آن را بپردازد و مستطیع نیست و حکم خرید یا اجاره چیزهای دیگری که در سفر حج به آنها نیاز دارد نیز چنین است. همچنین در صورتی که بخواهد مال خود را به کمتر از قیمت معمول بفروشد و پول آن را صرف حج کند، همین حکم را دارد.

هر سستی، گرفتاری و رنجی که به انسان‌های غیرمعصوم می‌رسد، نتیجه اعمال و رفتار، و به علت گناه و بدی خود آن‌هاست. خداوند بزرگ در آیه ۳۰ سوره بشوری می‌فرماید: **وَمَا آصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ آيَاتِكُمْ وَتَعَاوَنَ كَثِيرٌ - هر مصیبتی به شما رسد، به خاطر اعمالی است که انجام داده‌اید و بسیاری را نیز عفو می‌کند.** امام جعفر صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: هر رگی که قطع می‌شود، هر مصیبتی که به وجود می‌آید و هر سردرد یا بیماری که فرد بدان دچار می‌گردد، به سبب ارتکاب گناهان است. امیرالمومنین علی (علیه السلام) هم می‌فرماید: هر بلا و کم شدن روزی، حتی خراش و زمین خوردن و مصیبت، به خاطر انجام گناه است. البته بخشش الهی نیز بسیار زیاد است. طبق بیان آیه: بسیاری از گناهان را خداوند عفو می‌کند و الا درود و سبسی جز ارتکاب گناهان ندارد؛ زیرا خدا به بندگانش رنج و بیماری‌مان خیلی بیشتر بود.

رنج مقدس

آمنه عسکری مفرد

اربعین «هجرت» از خود است به «حسین»،

هجرت از منیت‌هاست به آزادی‌گاه،

هجرت از فرات است به «وصل»،

و چون ذرات هجرت «جهاد» را به دنبال دارد، وقتی هجرت را برمی‌گزینی؛ یعنی سستی‌ها و رنج‌های جهاد را برگزینی؛ زیرا جهاد یعنی انتخاب سخت‌ترین‌ها با بالاترین تربت‌اش برای رسیدن به معشوق، به شوق اینکه او نیز تو را برگزیند و از آنجا که انسان را در رنج آفریداند تا نیز به تکامل رسد، «لقد خلقنا الإنسان فی کبد» (بلد/۱۴)، پس این «رنج» نیز حلقه‌ی اتصال بین عاشق و معشوق خواهد شد، اگر آن را مقدس ببایی و آنگاه برگزینی. «رنج مقدس» یعنی انتخاب آرمان‌های والا، رنج مقدس یعنی خود را در معشوق فنا کردن، رنج مقدس یعنی در

ادامه از صفحه ۲

صلح امام...

به جامعه اسلامی و مسلمانان خیانت کرد و حکومت امام حسن(علیه‌السلام) و حکومت علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) به سلطنت شام تبدیل شد؛ البته صلح، برای معاویه حکم شمشیر دو لبه را داشت که هر دو لسان‌ش به زین وی بود؛ زیرا اگر او به مفاد صلحنامه عمل می‌کرد، هدف امام تا حدودی تأمین می‌شد و اگر آن را نقض می‌کرد، نتیجه آن، ایجاد تنفر عمومی از حکومت اموی بود و پیشوای دوم، این مسئله را از نظر دور نداشتند. [۴] بعد از صلح امام حسن (علیه‌السلام)، کار به شکلی هوشمندانه و زیرکانه تنظیم شد که اسلام و جریان اسلامی، وارد کانال خلافت به معنای سلطنت نشود. امام حسن(علیه‌السلام)، جریان اصیل اسلام که از مکه شروع و به حکومت اسلامی و به زمان امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) و زمان خود او رسیده بود، در مجرای دیگری قرار داد تا به شکل نهضت باقی بماند. یعنی در زمان امام حسن (علیه‌السلام)، تفکر انقلابی اسلامی که دوره‌ای راهی کرده و به قدرت و حکومت رسیده بود، دوباره برگشت. البته کار نهضت در

فرهنگی و اجتماعی

سختی ها و گرفتاری ها، نتیجه عمل و رفتار خود ماست!

علی شیرازی

سستم نمی‌کند. اگر مردم هنگامی که محنت و بلایی بر آنها فرود می‌آید و نعمت‌هایشان زوال می‌یابد، از روی صدق و صفای نیت و شغف‌تنگی دل به درگاه خداوند زاری کنند، خداوند نعمت مریمه را به آنان بازمی‌گرداند و کارهای تباهشان را به صلاح می‌آورد. امیرالمومنین علی (علیه السلام) در حدیث دیگری می‌فرماید: اگر آن‌ها با دعا و توبه به استقبال آن‌ها (بلاها) و مصیبت‌ها می‌رفتند، ایلا و مصیبت^۱ بر آن‌ها نازل نمی‌شود و اگر آن‌ها هنگامی که بلاها بر آن‌ها نازل شد و نعمت‌ها از دستشان رفت، با نیت راست و درست به‌جانب خدا زاری می‌فرمایند، به خدا سوگند، قومی که در فراخی نعمت و کامیابی بدهاند و نعمتشان رو به زوال نهاده است، سبسی جز ارتکاب گناهان ندارد؛ زیرا خدا به بندگانش رنج و بیماری‌مان خیلی بیشتر بود.

دنیای محدودیت‌های فانی، زیستن اما محدود به مادیات تن نبودن، یعنی پای ارادت به معشوق را به زمین نیستن، یعنی روح را به کلام، حقیقت پرواز دادن و در یک کسب، یعنی اعلام تبری کردن از همهی شرک و فریاد تویی بر آوردن به همهی توحید و بار دیگر در ایام اربعین حسینی که محنهی بروز و ظهور «رنج مقدس» است، درمی‌یابی رنج مقدس یعنی پایه‌های حسین و کاروان عاشوراییان قدم به بیابان‌های کرب و بلا نهان و مظلومیت و حقانیت راه حسین را فریاد زدن. با استعانت از صبر، هجرت را برگزینی؛ زیرا جهاد یعنی انتخاب سخت‌ترین‌ها با بالاترین تربت‌اش برای رسیدن به معشوق، به شوق اینکه او نیز تو را برگزیند و از آنجا که انسان را در رنج آفریداند تا نیز به تکامل رسد، «لقد خلقنا الإنسان فی کبد» (بلد/۱۴)، پس این «رنج» نیز حلقهی اتصال بین عاشق و معشوق خواهد شد، اگر آن را مقدس ببایی و آنگاه برگزینی. «رنج مقدس» یعنی انتخاب آرمان‌های والا، رنج مقدس یعنی خود را در معشوق فنا کردن، رنج مقدس یعنی در

این دوره به مراتب مشکل‌تر از دورهی خود پیامبر بود؛ زیرا شعارها در دست کسانی بود که لباس مذهب را بر تن کرده بودند؛ درحالی‌که مذهبی نبودند. مشکل کار آنمهی هدی (علیهالسلام)، این‌جا بود. باید بدانیم، اگر امام مجتبی این صلح را انجام نمی‌دادند، اسلام ارزشی نهضتی، از بین می‌رفت؛ چون معاویه با در اختیار داشتن دستگاه تبلیغاتی، بالاخره غلبه پیدا می‌کرد. چه‌رچه او در اسلام، چه‌راهی نبود که نتوانند موجه کنند و نشان بدهند. اگر امام حسن(علیهالسلام) صلح نمی‌کرد، تمام ارکان خاندان پیامبر(صلی‌الله علیه‌وآله) را از بین می‌برند و کسی را باقی نمی‌گذاشتند که حافظ نظام ارزشی اصیل اسلام باشد.

[۵] گاه این سوال در ذهنان پیش می‌آید، چرا امام حسن(علیه‌السلام) با معاویه بیعت نکرد؟ در جواب باید گفت: زمان امام حسن (علیه‌السلام) مسئله بیعت مطرح نبود. بیعت یعنی امضای خلافت آن شخصی که رساند از آن یاد بکنیم، اخلاص این شهید بزرگوار بود. امام حسن (علیه‌السلام) و معاویه نوشته شد، یکی از شرایط این بود که امام حسن(علیه‌السلام) به معاویه، امیرالمؤمنین نگوید، او با بیعت نکند، معاویه حق تعیین جانشین نداشته باشد. در بعضی از روایات آمده است،

خانواده سبز

تربیت سردارانی برای آینده

سخنرانی استاد حجت‌الاسلام ترشبین - ۱۲دی ماه ۱۳۹۹



فرصت استفاده کنیم.

۳. «ولایت‌مداری»

نکته سوم، ولایت‌مداری حاج‌قاسم بود.

ولایت‌مداری مراتبی دارد. اول انسان باید ولایت «خدا» را، ولایت "نبی مکرم" اسلام را، در مرحله بعد، ولایت "اُممه معصومین" را، در مرحله بعد، "ولی‌فقیه" را در عصر غیبت بپذیرد. این یعنی رشد، یعنی ببینید شما وقتی نگاه می‌کنید وجود مبارک حاج‌قاسم سلیمانی رضوان الله علیه شخصیتش این‌طور بود که خودش را، سرزای ولایت می‌دانست، حرف‌شنو ولایت می‌دانست، حرف و خط را از ولایت دریافت می‌کرد، مسیر را از ولایت دریافت می‌کرد.

باید بچه‌هایمان را ولایت‌پذیر بار بیآوریم؛ لذا این را به شما بگویم اگر این ولایت، بپذیرفته نشود، از ولی‌فقیه تا ولایت الهی، کمیتمان لنگ است. قطعا مشکل خواهیم داشت؛ خصوصاً در عصر غیبت که ما نیاز به راهنمای عینی داریم، کسی که به نوعی در مکتب و فقه دینی ما او را به‌عنوان راهنما و چراغ مسیر برای ما معرفی کرده‌اند. خب در عصر غیبت "ولی‌فقیه" یک همچنین جایگاهی دارد. یعنی اگر ما می‌خواهیم حاج‌قاسم سلیمانی‌ها را پرورش بدهیم، اگر می‌خواهیم سردارانی را برای آینده پرورش دهیم، چرا‌های جز این نداریم. که این ولایت‌مداری را در فرزندانمان تربیت کنیم. به نظر در نظام‌های تربیتی و آموزشی‌مان، یکی از نقایص جدی که وجود دارد این است که ما نتوانستیم مسلمانان را با ولایت‌فقیه آشنا کنیم. آنها را سرزای ولی‌فقیه قرار دهیم تا آسایی کنند و لذا این ضعف را بالاخره باید مسئولین و قضایی که در این زمینه قدم برمی‌دارند، طراحی می‌کنند، کتب درسی را می‌نویسند، کتب دانشگاهی را می‌نویسند، کتب حوزوی را می‌نویسند، اینها را بیآورند؛ یعنی ما بدانیم امروز اگر می‌خواهیم در مکتب حاج‌قاسم قرار بگیریم و انسان صالح و شایسته را پرورش بدهیم، باید این ولایت‌پذیری را در فرزندانمان با همان مراتبی که بیان کردیم، تقویت کنیم.

۴. «تعهد و معنویت»

ما امروز اگر واقعا نسلی می‌خواهیم که این نسل یک نسل انقلابی باشد (اجازه دهید یک تعبیری را برای این سردار بزرگ اسلام نام ببرم و بیان و تبیین کنم) شخصیت حاج‌قاسم یک شخصیتی بود که دنیا را کوچک ندید، دنیا را محل و سنکویی برای رشد دید؛ یعنی از این دنیا به خوبی استفاده کرده برای یک بی‌نیاهتی، و لذا ببینید ما در سنیایی که نفس است، اهل‌بیت (علیهم السلام) را در اختیار ما گذاشته‌اند، محبتشان را، ارادتشان را، همراهی‌شان را باید از این

و مصلحتی را به آن‌ها برمی‌گرداند. خدا، خدای مهربان و عزیز است. کارش، لطف و احسان و بخشش و محبت است. سستی‌هایی که در این دنیا به بندگانش می‌دهد، برای قرب و ترفیع مقام اوست. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: خداوند متعال شیعیان ما را در دنیا از گناهان پاک می‌کند و آن‌ها را به گرفتاری‌ها و محنت‌ها دچار می‌سازد و مورد رحمت و آموزش قرار می‌دهد و آنان را بدون گناه از جهان می‌برد. چه کسی از خدا به من و شما، نزدیک‌تر و مهربان‌تر است. دل خود را به او نزدیک کنیم و با او انس بگیریم، اگر دلمان الهی شد، سستی و گرفتاری‌مان هم کمتر می‌شود. اگر خدا راه دین و هدف دین و مساحت‌های مختلف دین الهی را درست بشناسیم، گناه نمی‌کنیم و با ترک گناه، از درد و رنج دنیا و آخرتمان می‌کاهیم.

ارادت، سر در راه بر مشقت اما شیرین و مقدس پیاده‌روی اربعینی خانوادگی می‌گذارند تا با همراه کردن کودکان و نوزادان خود در این مسیر حماسه‌ساز، فریاد تمدنی امنیت پایدارتر خواهد گشت. زنان انقلابی اربعینی در این مسیر، با هجرت از خود و برگزیدن جبهه‌ی جهاد زنده در عصر غیبت، با خودشناسی و خودآگاهی به نقش خود در تربیت نسل انقلابی و تمدن‌ساز پی‌برده، مسیر «حسین» را برگزیدند و با انتخاب رنج مقدس، برای ندای پس از ظهور تربیت می‌شوند و تربیت می‌کنند. آنان می‌دانند تجربه‌ی زیسته‌ی زن انقلاب اسلامی، خانواده انقلابی می‌سازد و خانواده انقلاب اسلامی، تمدن‌ساز خواهد بود، بنابراین در دنیای رنگارنگ ملول از مادی‌زدگی که در کنار سرخوشی‌های مستانه، سرشار از اضطراب و هیاهوی ناشی از غفلت و گمراهی است، نقش تاریخ‌ساز و جریان‌ساز زن را باور دارند و آرامش، امنیت و سعادت خویش و خانواده را در مسیر امن توحید و ولایت می‌طلبند و این گونه با پای

معاویه بعد از خودش امام حسن(علیه‌السلام) را به خلافت بگذارند و بعد امام حسن(علیه‌السلام) را. در زمان امام حسن (علیه‌السلام)، ادعای معاویه، عمل براساس اسلام بود. او در ملا عام، کار خلاف قران و شرع انجام نمی‌داد؛ که اگر انجام می‌داد، مصداق این روایت می‌شد. بیغمبر فرموده بودند: کسی که ببیند یک حاکمی دارد ظلم می‌کند، به حقوق مردم تجاوز، حرام خدا را حلال و احکام الهی را دگرگون می‌کند، بر او واجب است که با این حاکم مقابله کند، این در زمان امام حسن(علیه‌السلام) به طور کامل وجود داشت؛ ولی در زمان امام مجتبی(علیه‌السلام)، حاکم(معاویه) این‌گونه نبود.

[۶] گرچه امام حسن(علیه‌السلام) به علم امامت می‌دانستند که معاویه یک روزی این کارها را خواهد کرد، ولی معاویه ادعا می‌کرد که می‌خواهد بر طبق احکام الهی عمل کند و امام حسن(علیه‌السلام) در همان صلحنامه نوشتند: باید براساس حکم خدا و سنت پیغمبر عمل بکنی. او هم قبول کرد که بر طبق این عمل خواهد کرد. حضرت مجتبی(صلیه السلام) حتی پس از انعقاد پیمان صلح که قدرت معاویه افزایش یافت و موقعیتش بیش از پیش تثبیت شد، بعد از ورود معاویه

به کوفه، بر فراز منبر نشستند و انگیزه‌های صلح خود و امتیازات خاندان امیرالمومنین علی(علیه السلام) را بیان نمودند و آنگاه در حضور هر دو گروه، با اشاره به نقاط ضعف معاویه، با شدت و صراحت از روش او انتقاد کردند. (کتاب احتجاج طبرسی)

۱۷) اصطناعی دلایل انتخاب صلح را اینگونه بیان کردند: «من معتقدم امام حسن (علیه‌السلام) شجاع‌ترین چهره تاریخ اسلام است؛ چون شجاعت واقعی این است که انسان بر طبق آنچه مصلحت فکر او را می‌داند، با استقامت اقدام کند، اگر چه کسی نفیضد، امام حسن(علیه‌السلام) حاضر شد خود و نام خود را در میان دوستان نزدیکش، فدای مصلحت واقعی کند و تن به صلح دهد؛ برای اینکه بتواند کارش را، یعنی دیدبانی اسلام، حفاظت از قران و هدایت نسل‌های آینده تاریخ را به موقع انجام دهد.» (کتاب دو امام مجاهد سال ۵۱ و ۵۲) تا آمدیم به اینکه خداوند به همه ما بصیرت عنایت تا بتوانیم این روزگار را بشناسیم و بدانیم که صلح امام حسن (علیه السلام) همانقدر ارزش دارد که شهادت برادر بزرگوارشان امام حسین (علیه السلام). این دو سبط پیامبر(صلی‌الله علیه‌وآله) با قعود و قیام خود، به اسلام خدمات زیادی کردند.

تصریح، خب اینها انسان را معنوی می‌کند. بچه‌هایمان را در این فرهنگ با این مدل با این شاخص بار بیآوریم.

۵. «نظم و انضباط و وظیفه‌شناسی»

یکی دیگر از ویژگی‌هایی که در مکتب حاج‌قاسم سلیمانی بود، بحث نظم و انضباط و وظیفه‌شناسی بود. یک شخصیت منظم، یک شخصیت با انضباط و وظیفه‌شناس

در خاطرات ایشان می‌گویند: مثلاً اگر ایشان در سورهه بود و جلسه‌ای در تهران تشکیل می‌شد که ایشان هم باید در این جلسه حضور پیدا می‌کردند، ایشان سریع می‌آمد گاهی هم بدون خبر، بعد دوباره برمی‌گشتند به آن منطقه

وظیفه‌شناسی انسان!به‌عنوان یک نکتہ عرض کنیم اگر می‌خواهید فرزندان‌تان فکر و اندیشه‌شان جهانی شود، باید در یک چهارچوب نظمی قرار بگیرند، وظیفه‌شناس باشند. اینکه وجود مبارک امیرالمومنین (علیه السلام) در وصیتشان بر فرزندان‌شان تاکید بر نظم را به طور موکدا بیان می‌کنند، پشتش یک دلیل و ایدئولوژی فکری است؛ لذا فرزندانمان را این‌طوری بار بیآوریم. نظم و انضباط و وظیفه‌شناسی در هر برهه‌ای متفاوت است. مثلاً در قدیم بچه‌ها را چطور وظیفه‌شناس بار می‌آوردند؟

پدر می‌رفت بیرون خانه، پسری در خانه داشت، به پسرش در خانه یک وظیفه و تکلیفی را انتقال می‌داد و می‌گفت: تو مرد خانهای، مراقب مادر، مراقب خواهرهایت باش در محیط خانه، یعنی از همان ابتدا این وظیفه‌شناسی شکل می‌گیرد و او می‌پذیرفت. در مسائل عملی‌اش همین‌طور، در مسائل مذهبی و عبادی‌اش همین‌طور، یعنی این را پله‌پله جلو می‌برد. **۶. «سرعت عمل و به هنگام عمل کردن»**

شاید عزیزانی که مباحث ما در مان این می‌کنند، یک تعبیری از زیاد از من شنیده‌اند که مسا می‌گویم در تربیت اگر بخواهیم موفق عمل کنیم، بایستی "فعالانه" عمل کنیم، پیشرو باشیم. برداران، خواهران، پدران و مادران، بزرگوار، اگر امروز شما فعال نباشید، باید منفعل باشید.

اگر به موقع عمل نکنید، به موقع رفتار نکنید، به موقع برنامه‌ریزی نکنید، به موقع هدف‌گذاری نکنید، متأسفانه باید روی برنامه دیگران عمل کنید! امروز اگر نهدایم فرهنگی جامعه ما، مثل حاج‌قاسم و تفکر حاج‌قاسم عمل می‌کردند، ما نباید این‌قدر مستأصل می‌ماندیم. در مسائل فرهنگی چون به هنگام عمل نکردیم، نشستیم و فکر نمی‌کنیم، سند ۲۰۳۰ می‌آید ما خواهد بود! شیطانی مخالف هستیم، دشمنی مخالف چه؟ امروز تعبید را می‌خواهند از بچه‌های ما دور بکنند؛ چرا چلبا؟ چرا نماز؟ چرا روزه؟

اینها! می‌خواهند از بچه‌های مسا دور بکنند. اینها مصادیق تعبد است. تعبدی که می‌تواند مقدمه‌ای باشد برای کم نکردن راه!

حاج‌قاسم این‌طور بود، شخصیتی معنوی داشت شخصیت متعهد، بندهی خدا بود و لذا شما وقتی نگاه می‌کنید این چهره نورانی شهید بزرگواری که اربا اربا هم شد، وقتی نگاه می‌کنی می‌بینی که چهره نورانی تودل‌پرو به خاطر آن معنویتی که داشت، اهل سلوک، اهل نماز، اهل نماز شب، اهل تلاوت قرآن، اهل دعا، اهل

ادامه دارد...

در محضر قرآن

بهانه‌جویی برای فرار از ایمان

اهل کتاب از تو می‌خواهند که کتاب و نوشته‌های از آسمان برایشان فرود آوری، بی‌گمان از موسی بزرگ‌تر از آن را خواستند که گفتند: خدا را آشکارا به ما نشان بده! پس به سزای ظلمشان، صاعقه آنان را فرافکرت؛ سپس بعد از آنکه معجزه‌های روشن برای آنان آمد، گوساله‌پرستی را پیش گرفتند، پس از توبه) ما از آن (گناه) که در گذشتیم و عفو کردیم و به موسی حجتی آشکار دادیم.

(آیه ۱۵۳ سوره نساء)

نکته‌ها

خواستگی یهود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن بود که قرآن هم مانند تورات یکجا نازل شود و این یهودانی بیش نبود. خداوند در پاسخ آنان می‌فرماید: حتی اگر قرآن را یکجا در نامه‌ای قابل لمس فرود آوریم، کافران آن را جادو می‌پندارند. «لَوْ نَزَّلْنَاهُ كِتَابًا فَيَلْقَا سِ قُرْطَاسٍ لَفَتَنَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لِقَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَلِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ»

بهانه‌های کفار، برای ایمان نیابودن، شبیه به هم

است. مشرکان نیز همین تقاضا را از رسول خدا

داشتند و می‌گفتند: «لَنْ نُؤْمِنَ لِرَبِّكَ حَتَّى نُنَزِّلَ

عَلَيْنَا كِتَابًا تَقْرَأُوهُ»

پیام‌ها

۱- اعمال، افکار و اخلاق ناپسند نیاکان، برای آیدنگان سوءسابقه می‌شود. قَدَفَ سَالُوا...
۲- بنی اسرائیل در پی حق نبودند، وگرنه پس از آن همه معجزات؛ چرا گوساله‌پرست شدند؟ «لَا تَخْذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ» ۳- از ایمان نیابودن کفار، نگران و ناراحت نباشید؛ چون در برابر همه انبیاء، افراد لجاج بوده‌اند. «سَالُوا مُوسَى أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكْ» ۴- خدا با چشم دیده نمی‌شود و خواست دیدن او بدین صورت ظلم و ستمگری است. «رَأَى اللَّهُ جَهَنَّمَ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ»
۵- انکار حق و انحراف فکری، قهر خداوند را در همین دنیا به دنبال دارد. «فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ» ۶- رحمت الهی حتی گناه گوساله‌پرستی را هم می‌بخشاید. «فَغَفَرْنَا» ۷- انبیا مورد حمایت پروردگاردند. «وَأَتَيْنَا مُوسَى سُلْطَانًا مُبِينًا»

رسوایی، نتیجه ستمگری و دروغ

همانا ستمگری و دروغ‌پردازی، انسان را در دین و دنیا رسوا می‌کند، و عیب او را نزد عیب‌جویان آشکار می‌سازد، و تو می‌دانی آنچه که از دست رفت، باز نمی‌گردد. گروهی باطل طلبیدند، و خواستند با تقصیر دروغین، خدا را دگرگون سازند، و خدا آنان را دروغگو خواند.

(نامه ۴۸ نهج البلاغه)

سلامت خانواده

غذاهای غیر خوراکی



از نگاه طب سنتی، غذاها، فقط غذاهای خوراکی نیستند؛ بلکه غذاهای فراوانی هستند که از طریق دیگری وارد بدن ما می‌شوند و بر سلامت تن ما تأثیر می‌گذارند. اعم از:

غذاهای دیداری: هر آنچه که دیده میشوند، غذای دیداری محسوب میشوند. مثلاً هر رنگی که می‌بینید، حس متفاوت و مخصوص به خود را دارد؛ مثلاً رنگ چوب و رنگ آبی آسمان، رنگ‌های متعادل هستند، به همین خاطر همه انسانها می‌پسندند ولی اگر هوا ابری شود و یا در زمان غروب آفتاب، بسته به مزاج هر فرد، برخی آنها را می‌پسندند و برخی دلگیر می‌شوند.

بنابراین، رنگ‌ها را باید هدایت شده استفاده کرد، به مانند رنگ سبز برای اتاق جراحی و رنگ مناسب اتاق درمان، آبی می‌باشد.

و یا طیبی حق ندارد لباس مشکی بپوشد، ولو روز عزاداری باشد؛ بلکه باید معتدل بپوشد تا بیمار آفسرده نگردد.

حال جدای از رنگ‌ها، هر صحنه و منظراهی که انسان می‌بیند، می‌تواند در سلامت جسم و روان فرد تأثیر‌گذار باشد.

غذای جدنی:

هر آنچه که از فضای خارج از بدن، جذب تن میشود؛ مانند روغن‌هایی که بر بدن مالمیده می‌شود، دمای هوا، امواج ... و غذای جدنی محسوب میشوند.

بدن ما مانند یک فرسشی از منافذ مختلف است که به غیر از یکی دو اندام، در تمامی اندام‌ها خداوند منفذ طراحی کرده‌است که جمعا ۵ میلیون منفذ می‌شوند. این پنجره‌ها را خداوند خلق کرده است برای:

دفع مواد اضافی غیرضرور بدن

جذب مواد لازم

پس بر همین اساس، بایستی در طراحی خانه‌ها، مواد ساختمانی غیرفقرشده (دانه‌بندی غیرفقرشه) از ساختن شود تا بتواند امواج مفید را جذب، و امواج مضر را دفع کند. از نگاه طب سنتی، خانه‌های گلی بهترین نوع خانه، و ساختمانهای امروزی، بدترین نوع ساختمان هستند.

آشنایی با فرزنانگان

قطب‌الدین شیرازی

قطب‌الدین شیرازی در سال ۶۳۴ق (۱۲۳۶م) در شیراز دیده به جهان گشود.

پدر وی ضیاءالدین مسعود از مشایخ صوفیه و نیز طبیب معروف بیمارستان مظفری شیراز بود. او نیز به تأثیر از پدر، تحصیلات خود را در زمینه علم طب و معالجه بیماران آغاز نمود و در سن چهارده‌سالگی با گذشت پدر، منصب وی در بیمارستان را به عهده گرفت و به طبابت بیماران پرداخت و در کنار آن با فراگرفتن مراتب عالی‌تر طب، به‌خصوص در طب نظری به معلومات خود افزود؛ اما در اثر برخورداری از روح بلند و اشتیاق به فراگیری علوم فلسفی و دینی و ریاضی و هبیت و عدم اقیای خود از طبابت، فن طبابت را رها کرد و به تحصیلات و تحقیقات علوم عقلی روی آورد، به‌طوری‌که یکی از بزرگ‌ترین حکمایان ایران‌زمین و از مهم‌ترین فیلسوفان اواخر قرن هشتم و جام علم و میان اهل علم و طالبان حکمت و طب قدیم به‌عنوان «علامه‌طب» و «علامه شیرازی» مشهور شد.

او تحصیلات عالی را با ترک معالجه بیماران و درس گرفتن کلیات قانون ابن‌سینا نزد عمویش کمال‌الدین ابوالخیر بن مصلح کارزونی آغاز کرد و در ادامه در درس شمس‌الدین محمد بن احمد کبکی حاضر شد؛ اما با نظر و توجهی که به قانون ابن‌سینا و مشکلاتی که فهم برخی مسائل قانون داشت و هنوز برای قطب‌الدین حل نشده باقی مانده بود، وی را بر آن داشت تا به شناسایی اساتید و منابع دیگر بپردازد تا بتواند به حل آن مشکلات برسد.

ایشان با شنیدن آوازه خواجه نصیرالدین طوسی و جامعیتش در شاخه‌های مختلف حکمت و سرآمدی‌اش نسبت به دیگر علمای زمانه، شیراز را ترک کرده و به مراغه رفت. وی آنجا نزد خواجه طوسی علاوه بر علوم عقلی و هبیت و ریاضیات، کلیات قانون ابن‌سینا را نیز درس گرفت و در تأسیس رصدخانه، همکار و دستیار او شد.

وی که از دلسالگی جامه صوفیانه بر تن کرده بود، شافعی‌مذهب و اشعری‌مسلك و در آداب و احکام دینی، فردی آسان‌گیر و اهل تسامح بود.طب‌الدین در اواخر عمر در تبریز سکنی گزید و در سال ۷۱۰ق، در همان جا در گذشت و در مقبره چرنداب تبریز در کنار قاضی بیضاوی دفن شد.
آثاری که از او در منابع مختلف ثبت شده، به بیش از پنجاه اثر می‌رسد؛ اما چند اثر بیشتر در دسترس نیست و از این میان، دو اثر مهم وی یکی «درهٔ التاج لغزۀ الدیاج» و دیگری «شرح حکمة الاشراق» سه‌روردی است که معرف دیدگاه‌های فلسفی و اندیشه‌های سیاسی وی است.

چند روزی است موضوع اخراج اساتید، با حجم انبوه تولیدات رسانه‌ای و اظهارنظرهای متعدد چهره‌های اصلاح‌طلب، تبدیل به یک موضوع پرکنش‌ر در فضای رسانه‌ای و فضای مجازی کشور شده است. در این میان، هم‌نویی و بهره‌برداری رسانه‌های معاند نیز داستان تکراری این چنین مواقعی است.

ماجرای اخیر کنار گذاشتن برخی از افراد از جمله شریفی زارچی، از تدریس در دانشگاه‌ها شروع شد. آنچه از سوی وزارت علوم و دانشگاه شریف، محل تدریس زارچی اعلام شد، عدم درخواست به موع و ارائه و بارگذاری مستندات توان علمی برای تبدیل وضعیت در فرجه پنج‌ساله تدریس موقت این افراد از جمله زارچی، باعث این تصمیم شده است.

اما سیل خبری و بمبار وسیع رسانه‌های اصلاح‌طلب با عنوان اخراج نخبگان و اساتید به علت اظهارنظر سیاسی، نوعی تلاش برای وارونه نشان دادن ماجرا بود. البته در خصوص فردی مثل شریفی زارچی که در ایام اغتشاشات با اظهارنظرها و توتیت‌های تحریک‌آمیز و دور از شأن یک مدرس دانشگاه، تبدیل به یک لیدر آشوب در محیط دانشگاهی شده بود، باید در همان ایام با صراحت، حکم به اخراج داده می‌شد؛ چرا که کسی که جایگاه اشغال شده اسنادی را ابزاری برای تحریک و ایجاد بلوا در دانشگاه و به جان هم انداختن دانشجویان کند، قطعاً صلاحیت ادامه مسندتی چون اسنادی دانشگاه را ندارد.

نمونه‌های فراوانی در کشورهای دنیا از جمله آمریکا که فقط ۸۵ استاد به علت اظهارنظر سیاسی و بیان کوچک‌ترین انتقادات با حکم اخراج روبرو شده‌اند، موبد این مسئله است که در غربی که قبله‌آمال این رسانه‌های غرب‌گرا و برخی مدعیان اصلاحات است، با اسنادی که به دانشگاه مطالعات جهان دانشگاه تهران با توجه به بازنشتگی پیشین وی مطرح شد. این در حالی بود که محمدجواد ظریف قبلاً در مصاحبه‌ای اعلام کرده است که در سال ۱۳۸۹ رسماً بازنشته شده است. منصور غلامی وزیر وقت علوم، تحقیقات و فناوری درباره این موضوع با اشاره به غیرقانونی بودن فعالیت بازنشتگان به عنوان هیئت‌علمی دانشگاه‌ها، گفته بود: «فرازی که به طور کلی در مراکز آموزشی، نهاد و ارگان‌های مختلف بازنشته شده‌اند، به هیچ وجه نمی‌توانند به عنوان اعضای هیئت‌علمی در دانشگاه‌های سراسر کشور فعالیت کنند.»

بعداز حذف سیاسی مهدی گلشنی از طریق بازنشتگی اجباری، شاهد یک‌جانبه‌گرایی افراطی بالاخص در امور فکری و فلسفی در شریف بودیم که بارزترین تقابل را می‌توان در حذف درس‌های جعفر آقایی چاوشی، عضو هیئت‌علمی گروه فلسفه علم و مخالفت با ارتقاء وی و زمینه‌سازی برای حذف این استاد دانشگاه دانست.

بازنشته کردن اجباری به جرم انتقاد
سال ۹۷ و زمان دولت حسن روحانی که این روزها خود با همه ابهامات پاسخ داده نشده در خصوص خبری از انتشار، مداخله اساتید دانشگاه شده است. محبری منتشر شد در خصوص کنار گذاشتن یکی از اساتید برجسته علمی کشور از دانشگاه شریف. اگر امروز این افراد بر سر کنار گذاشته شدن و عدم تمدید قرارداد یک استاد مدعو جنجال می کنند، در سال ۹۷ اساتید مهدی گلشنی از اساتید انقلابی و برجسته دانشگاه شریف و رئیس گروه فلسفه علم این دانشگاه، به دلیل پاره‌ای از انتقادات به روند مدیریت کلان آموزش عالی کشور، با

حوزه و دانشگاه

اسنادی از دیکتاتوری مدعیان اصلاحات در اخراج اساتید بر جسته



وی عضو هیئت‌علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی

دانشگاه تهران و صاحب مقالات و کتب متعدد در عرصه دیپلماسی و روابط خارجی بود که ریاست مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشگاه تهران را نیز برعهده داشت.

دکتر عسگرخانی تا پایان سال تحصیلی ۱۳۹۷ به تدریس در گروه روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران اشتغال داشت و بعد از انتقادات وی به برجاس، عسگرخانی از تدریس منع شد و از دانشگاه بیرون انداخته شد.

تلاش برای تزریق افراد بدون صلاحیت در دانشگاه‌ها
اما همین جریان مدعی که امروز سینه‌چاک دانشگاه و اساتید شده‌اند، ظاهراً فراموش کرده‌اند در مواردی سال ۹۸ مسئله چگونگی پذیرش جواد ظریف در هیئت‌علمی دانشگاه تهران و انتقال وی از دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امورخارج‌ها با مرتبه دانشیاری به دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران با توجه به بازنشتگی پیشین وی مطرح شد. این در حالی بود که محمدجواد ظریف قبلاً در مصاحبه‌ای اعلام کرده است که در سال ۱۳۸۹ رسماً بازنشته شده است. منصور غلامی وزیر وقت علوم، تحقیقات و فناوری درباره این موضوع با اشاره به غیرقانونی بودن فعالیت بازنشتگان به عنوان هیئت‌علمی دانشگاه‌ها، گفته بود: «فرازی که به طور کلی در مراکز آموزشی، نهاد و ارگان‌های مختلف بازنشته شده‌اند، به هیچ وجه نمی‌توانند به عنوان اعضای هیئت‌علمی در دانشگاه‌های سراسر کشور فعالیت کنند.»

بعداز حذف سیاسی مهدی گلشنی از طریق بازنشتگی اجباری، شاهد یک‌جانبه‌گرایی افراطی بالاخص در امور فکری و فلسفی در شریف بودیم که بارزترین تقابل را می‌توان در حذف درس‌های جعفر آقایی چاوشی، عضو هیئت‌علمی گروه فلسفه علم و مخالفت با ارتقاء وی و زمینه‌سازی برای حذف این استاد دانشگاه دانست.

بازنشتگی اجباری یک منتقد بر جام

مرحوم دکتر ابوبحسح عسگر خانی، استاد برجسته روابط بین‌الملل بود که سال ۱۴۰۰ پس از مدتی درگیری با ویروس کرونا در فانی را در داغ گفست. وی دکتری روابط بین‌الملل را از دانشگاه کوئینز کانادا دریافت کرده و دانشسایر روابط بین‌الملل دانشگاه تهران بود.

سازمان سنجش، نهایتاً تصمیم می‌گیرند فریدون در «پدیس دانشگاه شهید بهشتی» به تحصیل بپردازد.

از آنجا که برخی اسناد ناشی می‌داد حسین فریدون به خلاف قانون و بدون داشتن امتیازات آموزشی (شرط معدل)، در دوره دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی مشغول به تحصیل شده است، برخی از فعالان دانشجویی، نمایندگان مجلس و دانشگاهیان نسبت به این موضوع واکنش نشان دادند. در نهایت در ماه پایانی عمر مجلس دهم، گزارش تخلفات تحصیلی برادر رئیس‌جمهور، فرانت و چهاربند از این گزارش برای رسیدگی از سوی قوه قضائیه به این قوه ارجاع شد تا روند قضایی آن طی شود.

گلایه یک استاد پیشگسوت از سیاسی کاری در دانشگاه در دولت قبل

اما روند سیاسی‌سازی کاری در دانشگاه در دولت قبل، صدای اساتید را نیز درآورده بود. رهبر معظم انقلاب ۸ خردادماه ۹۸ در دیداری ۳ ساعته با هزاران نفر از استادان و اعضای هیئت‌های علمی دانشگاه‌ها، پای صحبت‌ها و دغدغه‌های اساتید رسته‌ها و دانشگاه‌های مختلف کشور نشستند. دکتر سهیلا صادقی قیاسی، دکتری جامعه‌شناسی و دانشسایر دانشگاه تهران، یکی از سخنرانان این دیدار بود که سخنانی در محضر رهبر انقلاب در انتقاد از فضای سیاسی حاکم بر دانشگاه تهران و مدیریت وزارت علوم، اظهار داشت: «مناسفانه تقدم نظم سیاسی بر نظم اجتماعی و نظم علمی، دانشگاه تهران را به جولانگاه نزاع‌های سیاسی تبدیل کرده و روح تعامل و همدلی را تضعیف نموده است. امروز بیش از هر زمان دیگر، عزل و نصب مدیران دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها، بیشتر از آنکه تابع شایستگی‌های علمی، اخلاقی و تجربه باشد، تابع پانزبازی‌های سیاسی است.

روندهای شستابنده و تخلف از رویه‌های متعارف در جذب اعضای هیئت‌علمی، فرصتی را برای بررسی قابلیت‌ها و ظرفیت‌های واقعی افراید باقی نمی‌گذارد و آنچه که در موضوع جذب، بیش از هر عاملی نمایان می‌گردد، پارگیری سیاسی است. مناسفانه ارتقاهای زودرس یک عده و سنگ‌اندازی برای عده‌های دیگر، خصوصاً نیروهای انقلابی نیز تا حدودی تابع همین بازی‌های سیاسی است و از همه بدتر آنکه به شدت تابع سفارشات و سیاست‌های سیاسی است! این امر می‌تواند به شدت به حیثیت علمی کشور لطمه زند و حس حرمان را برای اساتید ساعی، پرکار و عالمی فراهم سازد که اهل زد و بندهای سیاسی نیستند!»

اینها چند نمونه از عملکرد کسانی است که در دوره تصوی خود و هم‌فکرانشان، شدیدترین خالص‌سازی‌ها در محیط دانشگاه و اخراج اساتید ناهمسو و دیکتاتوری علمی و تزریق افراد فاقد صلاحیت را در کارنامه دارند؛ اما اکنون با هدف زمینه‌سازی به هم زدن دانشگاه‌ها، فربیکارانه مدعی دفاع از دانشگاه شده‌اند. کسانی که تقابل در محضرهای چهره‌های جوان و اساتید پیشگسوت انقلابی را ندارند؛ اما از آشوبگران در دانشگاه دفاع می‌کنند.

منبع:کجهان

جریان شناسی تاریخی

بررسی تاریخ و چگونگی رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

مسموم نیز اشاره شده است.

۲. احمد بن حنبل در مسند خود، ماجرای را بیان می‌نماید که طی آن، بانویی به نام ام میسر که فرزندش به دلیل خوردن غذای مسموم در کنار پیامبر اکرم، به شهادت رسیده بود، در ایام بیماری ایشان به عیادتشان آمده و اظهار داشت که من احتمال قوی می‌دهم که بیماری شما ناشی از همان غذای مسمومی باشد که فرزندم نیز به همین دلیل به شهادت رسید؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در پاسخ فرمودند: «من نیل دلیلی به غیر از مسمومیت، برای بیماری خویش

در این روایت، علاوه بر تصریح به مسموم شدن رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و شهادت ایشان در پی مسمومیت، به یک اصل کلی نیز اشاره می‌شود که مرگ تمام پیامبران و اوصیا، با شهادت بوده و هیچ‌کدام با مرگ طبیعی از دنیا نمی‌روند. روایات دیگری نیز وجود دارد که این اصل کلی را تقویت می‌نماید. علاوه

بر روایات شیعه، روایات فراوانی در صحاح و دیگر کتب اهل‌سنت وجود دارد که همین موضوع را تأیید می‌نماید که به عنوان نمونه، به سه مورد آن اشاره می‌نماییم:

۱. در معتبرترین کتاب نزد اهل‌سنت، نقل شده که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در بیماری منجر به رحلتشان، خطاب به همسر شان عایشه فرمودند: «من همواره درد ناشی از غذای مسمومی را که در خواب تناول نمودم، در بدنم احساس می‌کردم و اکنون گویا وقت آن فرا رسیده که آن سسم، مرا از پیای درآورد.» همین موضوع در سنن دارمی نیز بیان شده است. علاوه بر این که در این کتاب، به شهادت برخی از یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، بر اثر تناول همان غذای

نمی‌بینم و گویا نزدیک است که مرا از پای در آورد.» مرحوم مجلسی نیز با نقل روایتی، تقریباً مشابه با این روایت بیان نموده که به همین دلیل است که مسلمانان اعتقاد دارند علاوه بر فرضیلت نبوت که به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) هدیه شده، ایشان به فوز شهادت نیز نائل آمدند.

۳. محمد بن سعد، از قدیمی‌ترین مورخان مسلمان، ماجرای مسمومیت پیامبر اکرم را این گونه نقل می‌نماید: هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، خیبر را فتح نموده و اوضاع به حالت عادی برگشت، زنی یهودی به نام زینب که برادرزاده مرحب بود که...

ادامه در همین صفحه

شیخ صدوق روایتی را بدین مضمون نقل می‌کند که بعضی از آنها سسم در انگور ذکر شده است و در بعضی، هم در انگور و هم در انار آمده است. سید جعفر مرتضی عملی، شش نظر را درباره شهادت امام رضا علیه السلام ذکر می‌کند. این ختجان از محدثان و رجال‌شناسان قرن چهارم هجری، ذیل نام «علی بن موسی الرضا» می‌نویسد: علی بن موسی الرضا، مأمون به وسيله سسمی که مأمون به وی خواند، رحلت یافت. این حادثه در روز شنبه سال ۰۳ق. بود. بر اساس برخی از گزارش‌ها از ترس شورش مردم، شنبانه به دستور مأمون، بدن امام غسل داده و به خاک سپرده شد. ولی برخی این گزارش را از اعتبار مخدوس می‌دانند که علی برای وجاهت و طلب آزادی ولادت و بزرگی بود و اتهام قتل امام رضا علیه السلام بر همه ثابت می‌شد، بنابراین مأمون هر چند وفات امام را یک شبانه‌روز مخفی کرده ولی برای اینکه بتواند خود را از این مسئله مبرا کند، با پای‌برهنه و بر سررزان در مراسم حاضر شد و مراسم با شکوهی برای امام برگزار کرد. در مورد علت شهادت امام رضا علیه‌السلام توسط مأمون، دلایل مختلفی ذکر شده است: غلبه امام بر علمای مختلف در جلسات مناظره و استقبال پرشور مردم از امامت امام در مراسم نماز عید، باعث شد مأمون از این حادثه احساس خطر کند و متوجه شد که دادن ولایتعهدی به امام، اوضاع را علیه وی سخت‌تر کرده است. از این رو، مراقبانی برای آن حضرت گمارد تا مبادا اقدامی بر ضد مأمون انجام دهد. امام از مأمون وحشتی نداشتند و در اکثر اوقات به او چنان جواب می‌دادند که ناراحتش نمی‌کرد. این وضع نیز باعث خشم مأمون و زیادت‌ر شدن دشمنی وی نسبت به حضرت می‌شد، هر چند اشکار نمی‌کرد. چنان‌که نقل شده هنگامی که مأمون از خبر یکی از فتوحات نظامی‌اش خوشحالی می‌کرد، امام رضا علیه‌السلام به او فرمودند: « از خدا بترس درباره امت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) و آنچه که خدا به تو واگذار کرده است. تو امور مسلمین را تصبیح کرده‌ای و» با این حال، تعداد اندکی از علمای شیعه معتقدند امام رضا علیه‌السلام از سوی مأمون به شهادت رسیده است؛ چنان‌که علی بن عیسی اربلی مؤلف کتاب کشف الغمّه، چنین باوری را از سید ابن طایبوس نقل کرده و خود به آن متعایل شده است. ولی رسول جعفریان با اشتباه ناموس این نظریه، این باور غلط را ناشی از رفتار دو گانه مأمون و ظاهرش‌های او دانسته است.

تحلیل

تبیین فلسفی نقش «زیارت» در کمال «زائر»

احمدحسین شریفی



محقق فیاض لاهیجی (م ۰۷۱ق) از متکلمان

بزرگ شیعی قرن یازدهم در کتاب بسیار ارزشمند «گوهر میراد»، در فصلی با عنوان «در بیان سبب اجابت دعوات و حدوث امور خوارق عادات و سرّ انتفاع از زیارت قبور مؤمنین و مرآقد صالحین» در جمع‌بندی سخنان فیلسوفانی چون ابن‌سینا، فخررازی، میرداماد و... درباره زیارت، می‌نویسد:

«سرّ انتفاع از زیارت قبور و اتیان مشاهده، آن است که نفس را دو گونه علاقه با بدن حاصل است: یکی از جهت صورت خصیصیه بدن معین مخصوص و به موت لا محاله این علاقه منقطع شده؛ و دیگر از جهت مادّه محفوظه‌التشخص فی ضمن آیّه صورّه کانت بدنیّه، او تریبّه او غیر ذلک؛ و این علاقه به موت باطل نشود؛ بلکه باقی ماند. پس نفس مفارقت خود از بدن، همیشه متوجه و متوقع ماده بدنیّه خود باشد، از مقوله سفر کرده که یاد خانه و منزل خود کند. پس هرگاه نفس، مؤمن و صالح باشد و بالجمله کمالی و طهارتی و علمی و عملی کسب کرده بود، هرآینه مورد اشراقات انوار الهیه و فیوضات ربّانیه گردد و نفس زائر نیز هرگاه به توجه تمام به مرقد مزور حاضر شود و این حضور مرقد را حضور و صحبت او داند، لا محاله از فیض وارد به نفس مزور پروتی در نفس زائر افتد و به قدر استعداد، لا محاله منتفع شود.

... و شیخ ابویعلی گفته: که نفس کامل شده در علم و عمل چون مفارقت کند، شبیهه عقل فغال شود و مانند او تصرف در این عالم تواند کرد و چون نفس زایر به وسیله زیارت مستمد از آن نفس کامل شود، در طلب خیری و سعادتی یا دفع شرّی و اذیتی، لا بد است که به قدر استعداد، مدد وی کند و تأثیر عظیم ظاهر گردد.»

خاطرات انقلاب

ثواب خدمت به زائر

امام رضا (علیه السلام)

آقای سید حمید روحانی می‌گوید: یکی از علما برای من نقل می‌کرد که یک سال تابستان به اتفاق امام و چند تن دیگر از روحانیون به مشهد مشرف شدیم و خانه درستی گرفتیم. برنامه ما چنین بود که بعدازظهرها، پس از یکی دو ساعت استراحت، از خواب بلند می‌شدیم و به طور دسته‌جمعی روانه حرم مطهر می‌شدیم و پس از زیارت و نماز و دعا به خانه مراجعت و در ایوان باصفایی که در آن خانه بود، می‌نشستیم و جای می‌خوردیم؛ برنامه امام این بود که با جمع به حرم می‌آمدند، ولی دعا و زیارتشان را خیلی مختصر می‌کردند و تنها به منزل برمی‌گشتند و آن ایوان را آب و جارو می‌کردند، فرش پهن می‌کردند، سامور را روشن می‌کردند و جای را آماده می‌ساختند و وقتی که ما از حرم باز می‌گشتیم، برای ما چای می‌ریختند. یک روز من از ایشان سوال کردم که این چه کاری است؟ زیارت و دعا را به خاطر آنکه برای رفقا چای درست کنید مختصر می‌کنید یا عجله به منزل باز می‌گردید؟ امام در جواب فرمودند: من ثواب این کار را کمتر از آن زیارت و دعا نمی‌دانم.

ادامه از همین صفحه

در جنگ خیبر کشته شد، از دیگران پرسش می‌نمود که پیامبر کدام بخش از گوسفند را بیشتر دوست می‌دارد؟ و پاسخ شنید که سر دست آن را. سپس آن زن، گوسفندی را ذبح کرده و تکه‌تکه نمود و بعد از مشورت با یهودیان در مورد انواع سم‌ها، سسمی که تمام آنان معتقد بودند کسی از آن جان سالم به در نمی‌برد را انتخاب نموده و اعضای گوسفند و بیشتر از همه‌جا، سردست‌ها را مسموم نمود. هنگامی که اقیانن غروب نموده و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نماز مغرب را به جماعت اقامه فرموده و در حال برگشت بودند، آن زن یهودی را دیدند که همچنان نشسته است! پیامبر دلیل آن را پرسیدند و او جواب داد که هدیه‌ای برایتان آوردم! پیامبر یا قبول هدیه، به همراه یارانش بر سر سفره نشسته و مشغول تناول غذا شدند... بعد از مدتی، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند که دست نگه دارید! گویا این گوسفند مسموم است! مؤلف کتاب طبقات، سپس نتیجه می‌گیرد که شهادت پیامبر به همین دلیل بوده است. بدین ترتیب، از مجموعه روایات نقل شده در کتب شیعه و اهل سنت، می‌توان نظریه شهادت ناشی از مسمومیت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را تقویت نمود که در قریب به اتفاق این روایات، زمان مسمومیت ایشان، هم زمان با جنگ خیبر و توسط زنی یهودی بیان شده است.

تاریخ در تصویر



عکس قدیمی از حرم مطهر امام‌رضا(علیه‌السلام)

